



گسترش جنبش های اعتراضی زحمتگشان تهیدست



درگیری نیروهای سرکوب رژیم با مردم زحمتکش شاتره صفحه ۲

جنبش دانشجویی ۱۸ تیرماه و جایگاه آن

یکسال از جنبش اعتراضی ۱۸ تیر میگذرد. سال پیش جنبش اعتراضی دانشجویان علیه اختناق و سانسور که از دانشگاه تهران آغاز شد، بسرعت از تهران به تبریز و سپس به سایر شهرها گسترش یافت. دانشجویان مشهد، رشت، اصفهان، شیراز، ارومیه، و چند شهر دیگر به این حرکت اعتراضی پیوستند و به حمایت از مطالبات آن برخاستند. تهاجم نیروهای سرکوب به دانشجوین، به حمایت توده ای از دانشجویان دامن زد، و طنین شعارهای "توپ، تانک، بسیجی دیگران ندارد"، "مرگ بر این حکومت آخوندی"، "مردم قیام شروع شده، ۲۰ سال سکوت تمام شده" در خیابان های تهران، زمین را زیر پای سران حکومت اسلامی به لرزه درآورد. حکومت اسلامی با تمام قوا به سرکوب جنبش ۱۸ تیر دست زد، چند تن در جریان اعتراضاتی که از ۱۸ تیر آغاز شد و یک هفته ادامه داشت، بدست مزدوران به قتل رسیدند، صدها تن از شرکت کنندگان در تظاهرات دستگیر شدند، فضای رعب و وحشت حاکم بر دانشگاهها تشدید شد مرتجعین هرچه در توان داشته اند، برای انتقام گرفتن از جنبشی که پایان حکومت اسلامی را بشارت میداد، به کارگرفتند. اکنون در آستانه سالروز این جنبش، مروی کوتاه بر تاثیراتی که برجای گذارد، ضروری است.

جنبش ۱۸ تیر که از دانشگاه تهران آغاز شد، با تظاهرات، وسنگر بندی در خیابانها ادامه یافت و با سرکوب وحشیانه موقتا فروکش کرد، علیرغم محدودیتها، بازتاب برخی مطالبات و نیازهای جنبش سراسری توده های مردم ایران بود. در شرایطی که جناحی از حکومت اسلامی با حمایت بیدریغ بورژوازی داخلی و بین المللی دو سال تمام چنین تبلیغ کرده بودند که خاتمی خواستار پاسخگویی به مطالبات دمکراتیک مردم است، شعار های "آزادی اندیشه باریش و پشم نمیشه"، و "مرگ بر این حکومت آخوندی"، نشان داد که مردم ایران دیگر به یک حکومت مذهبی تن نخواهند داد، و تلاشهای "اصلاح طلبان" و حامیان آنها، آب در هاون کوبیدن است. تکرار این شعارها دردها تظاهرات که از تیرماه سال گذشته تا کنون در شهرهای مختلف برگزار شده، اشتیاق سوزان جامعه به جدائی دین از دولت و نفی کامل حکومت مذهبی را بازتاب می دهد.

جنبش ۱۸ تیر اعلام گسست از جناح ها و صفحه ۲

زور گوئی سرمایه داران و گسترش اعتراضات رادیکال کارگری

و نرخ تورم، دستمزدهای واقعی و قدرت خرید کارگران مداوما کاهش یافته است. سرمایه داران و کارفرمایان در کنف حمایت حکومت اسلامی، از یک سو بطور وحشیانه از کارگران کار کشیده اند، بر شدت استثمار افزوده اند و شیره جان کارگران را کشیده اند و از سوی دیگر با افزودن بر قیمت خدمات و کالاهای مورد نیاز کارگران که خود آنها تولید کرده اند، سطح زندگی و معیشت کارگران را به طرز فاحشی تنزل داده و این جمعیت پر شمار را به فقر و سیاه روزی انداخته اند.

صفحه ۳

سرمایه داران و دولت حامی آنها در طی تمام دوران حکومت اسلامی، هیچگاه به کارگران دستمزدی که بتوانند با آن مخارج زندگی خود و خانواده شان را تامین کنند و یا حتی به میزانی که جبران کننده نرخ تورم باشد نپرداخته اند. آنان با مداخله کارگران در امر تعیین حداقل دستمزدها قویا مخالفت نموده و نهایتا خود تعیین کرده اند که به چه میزانی به کارگران دستمزد بدهند. دستمزدهای کارگری به قدری اندک و ناچیز است که کارگران به سختی می توانند با آن، یک سوم هزینه های خویش را تامین کنند. در برابر افزایش روز افزون قیمتها

در این شماره

صفحه ۶

زور آزمائی مجلس و دستگاه قضائی

صفحه ۱۶

پاسخ به سئوالات

صفحه ۱۰

کارگران مهاجر در اروپا

صفحه ۱۲

وضعیت سیاسی و گروه بندی های چپ در مکزیک

صفحه ۷

ادغام های عظیم و خرید شرکتها

صفحه ۱۵

ارزیابی از وضعیت زنان در جهان (۵ سال بعد از کنفرانس چین)

صفحه ۹

هشتاد و هشتمین اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار

صفحه ۱۴

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان در یک ماه گذشته

صفحه ۸

خلاصه پیام روابط عمومی سازمان به کنگره سازمان فدائیان کمونیست

صفحه ۱۱

اخباری از ایران صفحه ۶ اخبار کارگری جهان

جنبش دانشجویی ۱۸ تیرماه و جایگاه آن

جریاناتی بود که میخواستند جنبش توده ای را در راستای منافع یک جناح حکومت کانالیزه کنند. شعارها و اقدامات جنبش ۱۸ تیر آشکارا استقلال این جنبش بود. شعارهای طرح شده در آن چند روز به خوبی نشان داد مطالبات این جنبش چنان عمیق و ریشه ای است که در قالب تنگ و محدود هیچیک از جریاناتی که خواهان حفظ سیستم سیاسی موجود هستند، جای نمی گیرد و جز با سرنگونی تمامیت حکومت اسلامی و جز با انجام تغییرات بنیادی متحقق نخواهد شد. جنبش ۱۸ تیر توسط پاسداران رسمی و غیر رسمی حکومت الله به خاک و خون کشیده شد. اما خود شکل گیری این جنبش، و شعارهای طرح شده در آن، آغاز مرحله ای جدید در مبارزات توده های مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیستم حاکم بود. از آن زمان تا کنون هر جنبش اعتراضی سیاسی که در مناطق مختلف ایران شکل گرفته است، شعارهایی را که نخستین بار در تیرماه بطور علنی و آشکار طرح شد، با صدای بلند فریاد کرده است. شعارها و مطالباتی که در تیرماه پارسال برای نخستین بار علنا طرح شدند، اکنون بر پرچم هر حرکت اعتراضی سیاسی نقش بسته اند. حکومت جمهوری اسلامی و دستگاههای سرکوب رنگارنگ آن نیز طی یک سال گذشته با تشدید اقدامات سرکوب گرانه، تنها بر آتش این اعتراضات و مطالبات دیده اند و هر اقدام بعدی آنان نیز آنرا شعله و رتر خواهد ساخت. طی یکسال گذشته، روی آوری کارگران، زحمتکشان و دانشجویان به حرکات مستقل و اقدام به اعتراضات آشکار و علنی، وجه بارز و برجسته مبارزات آنان بوده است. دانشجویان دانشگاهها در موارد متعددی علیرغم کارشکنی "اصلاح طلبان" بطور مستقل دست به تظاهرات و اعتراض زده اند، زحمتکشان حاشیه شهرها برای دست یابی به مطالباتشان نه به خاتمی و نه به مرتجعینی از این دست امید بسته اند، بلکه مستقلا به تظاهرات و اعتراض برخاسته اند. کارگران در موارد متعددی دست به اعتراض علنی و آشکار، اعتصاب، تحصن، بستن جاده و اشغال کارخانه زده اند.

بیش از دوده حاکمیت یک رژیم ارتجاعی مذهبی که با اختناق و سرکوب و سلب ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی و فردی، و سرکوب و وحشیانه زنان عجین بوده است، جامعه را با یک بحران عمیق مواجه ساخته و راه هرگونه پیشرفت و ترقی را سد کرده است. بیش از دوده حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، سیاست های اقتصادی ارتجاعی آن، غارت و چپاول و استثمار و وحشیانه، شرایط اقتصادی زندگی توده مردم را به قهقرا سوق داده است. تحقق انبوهی از مطالبات در هم تنیده اقتصادی - سیاسی و اجتماعی، پیش شرط حل این بحرانها و تامین یک زندگی آزاد، سربلند و انسانی برای آحاد مردم است.

گسترش جنبش های اعتراضی زحمتکشان تهیدست

اکثریت بسیار عظیمی از مردم ایران با فقر مطلق روبرو هستند. منابع رسمی اذعان دارند که ۸۰ درصد مردم در شهر و روستا زیر خط فقر زندگی میکنند. اوضاع روز به روز وخیم تر و شرایط زندگی توده های وسیع کارگر و زحمتکش دم به دم اسف بارتر میشود. بخش قابل ملاحظه ای از این توده های زحمتکش فقیر در حاشیه شهر های بزرگ در بیغوله های زندگی می کنند که فاقد ابتدائی ترین امکانات معیشتی و بهداشتی اند. در چند سال اخیر مکرر شاهد اعتراض و طغیان این توده زحمتکش و تهی دست در حاشیه شهر های بزرگ در سراسر ایران بوده ایم. این جنبش های اعتراضی در شهرک های اطراف تهران در منطقه اسلام شهر، مسعودیه، پل ساوه ابعاد گسترده تری به خود گرفته اند. اسلام شهر به یکی از مراکز اصلی این جنبش های اعتراضی تهیدستان تبدیل شده است. قیام مردم اسلام شهر اندکی پیش از به قدرت رسیدن خاتمی چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که رژیم برای فرونشاندن آن از سلاح های سنگین و هلی کوپترها استفاده کرد. در جریان این قیام دهها تن از مردم زحمتکش اکبرآباد به قتل رسیدند، صدها تن دستگیر شدند و تمام تاسیسات دولتی به آتش کشیده شدند. مدتی بعد دوباره در چندین شهرک از جمله در چار دانگ مردم دست به تظاهرات، سنگر بندی و درگیری با مزدوران دولتی زدند. در یک ماه گذشته نیز شاهد دو اعتراض وسیع دیگر در این منطقه بوده ایم. در ۱۷ خرداد حدود ۴۰۰۰ تن از مردم شهرک سینا دست به تظاهرات زدند. مداخله نیروهای دولتی به درگیری انجامید، مردم تاسیسات و وسائل نقلیه دولتی را مورد حمله قرار دادند و جاده قدیم کرج را به مدت چند ساعت مسدود کردند. آنها خواهان بهبود شرایط زندگی و تامین آب شهرک بودند. در هفتم تیرماه هزاران تن از زحمتکشان شهرک شاتره که اکثریت آنها را زنان تشکیل میدادند، طغیان کردند. دست به تظاهرات زدند و با تجمع در جاده تهران - ساوه، آتش زدن لاستیک و سنگر بندی، جاده را بستند. آنها بدین طریق اعتراض خود را به گوش همگان رساندند. خواسته های زحمتکشان شاتره برخورداری از امکانات اولیه زندگی، آب، برق، امکانات بهداشتی، تفریحی و آموزشی بود. نیروهای مسلح رژیم این اعتراض مردم زحمتکش شهرک شاتره را نیز سرکوب کردند. اما مبارزه این مردم زحمتکش متوقف نشده و نخواهد شد، چرا که دیگر تحمل وضع موجود برای آنها ممکن نیست. این توده فقیر و زحمتکش، برای بهبود شرایط زندگی خود بپاخاسته و هیچ سرکوبی نمیتواند مبارزه آنها را متوقف سازد. این بخشی از مبارزه عمومی کارگران و زحمتکشان ایران برای دگرگونی نظام حاکم بر ایران است.

مردم زحمتکش شهرک های حاشیه شهرهای بزرگ از نظر ترکیب طبقاتی عمدتا از کارگران

تشکیل شده است که در کارخانه های مجاور کار می کنند و اغلب کارگران ساده هستند که دستمزدها در سطح بسیار نازلی قرار دارد. در نتیجه وخامت اوضاع اقتصادی، رشد روزافزون تورم و کاهش مداوم دستمزد واقعی کارگران، وضعیت زندگی این بخش از طبقه کارگر به مرحله ای بسیار وخیم رسیده است. آنها در منتهای فقر و بدبختی زندگی خود را میگذرانند. بخش دیگری از مردم این شهرک ها را تهیدستان تشکیل می دهند که عمدتا بیکارند. در سال های اخیر با تشدید بحران اقتصادی و سیاست های اقتصادی که از دوران رفسنجانی اتخاذ گردیده است، به نحو روزافزونی بر تعداد این تهیدستان افزوده شده است. این شهرک ها از نظر امکانات اجتماعی و رفاهی در سطح بسیار نازلی قرار دارند. اغلب، آب آشامیدنی و برق ندارند. در این شهرک ها وضعیت بهداشتی اسف بار است. از امکانات تفریحی و ورزشی خبری نیست و امکانات آموزشی نیز بسیار محدود می باشند. بنا بر این پر واضح است که چرا این توده زحمتکش در چند سال اخیر پیوسته دست به تظاهرات، شورش و قیام زده است. شرایط زندگی آنها مداوم آنها را به درگیری با نظم موجود سوق میدهد. این نیرو هر لحظه آماده و مستعد شورش و طغیان علیه نظم موجود است. در اواخر دوران رژیم شاه نیز وضع بر همین منوال بود. در جریان انقلاب و سرنگونی رژیم شاه، این توده زحمتکش یکی از نیروی فعال بود. خمینی کوشید با عوامفریبی و ادعای دفاع از مستضعفان و کوخ نشینان آنها را به نیروی فعال دفاع از رژیم خود تبدیل کند. در آغاز نیز بخشی از آنها از روی ناآگاهی طرفدار خمینی و رژیم او شدند. اما بزودی دریافتند که تمام وعده های خمینی جز یک دروغ چیز دیگری نبوده است. آنها اکنون به مخالفین فعال رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده اند. در جریان تظاهرات شهرک شاتره، مردم به خبرنگاران روزنامه ها گفتند که رژیم زمانی ادعای میکرد حامی مستضعفان و کوخ نشینان است، اما وضعیت امروز ما دروغ بودن آنرا نشان میدهد. حالا جمهوری اسلامی همان نیروی شورشی را که زمانی به عنوان حامی خود روی آن حساب میکرد، رودر روی خود میبیند و چون در ماهیت آن نیست که به خواست های توده زحمتکش پاسخ مثبت دهد، به سرکوب متوسل می شود. مردم این شهرک ها بیکارند و کار میخواهند، اما جمهوری اسلامی نمیتواند به آنها کار بدهد. آنها گرسنه اند و نان می خواهند، جمهوری اسلامی قادر به تامین نان آنها نیست. آنها آب و برق میخواهند، اما جمهوری اسلامی نمیتواند آنرا تامین کند. آنها امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی می خواهند، اما جمهوری اسلامی نمیتواند این امکانات را برای مردم فراهم کند. این در حالی است که بحران اقتصادی مدام

زورگوئی سرمایه داران و گسترش اعتراضات رادیکال کارگری

جدول واحدهای تولیدی که کارگران آنها ماههاست حقوقی نگرفته اند

نام شرکت	پرسنل	استان
صنایع چوبی ایران	۲۸۶	تهران
جواهریان	۱۷۰	تهران
سیپورکس	۶۵۰	کرج
تهران سفالین	۱۲۰	شهری
مبلیران	۳۰۰	تهران
نخکار	۵۲۰	تهران
آجرشم	۱۰۱	تهران
بازرگی آردل	۲۰۰	تهران
آردل	۲۰۰	تهران
شعله آفرین	۲۰۰	تهران
پشمبافی جهان	۳۱۴	تهران
دولت آباد	۵۸	شهری
شرکت آج	۱۱۰	تهران
کفش شاهد	۱۵۰	تهران
پوشاک مردم	۱۵۰	تهران
شرکت آذرگاه	۵۰	تهران
آریا دیزل پارت	۱۰۰	تهران
پشمبافی کشمیر	۳۸۰	کرمانشاه
چیت سازی بهشهر	۱۸۰۰	مازندران
آکریتاب	۲۵۰	مازندران
خزرخز	۴۵۰	مازندران
تخته سه لائی شهیدرجائی	۲۴۲	مازندران
فرش اکباتان	۳۰۱	قزوین
نقش ایران	۸۵۱	قزوین
خاص آزادگان	۶۴	قزوین
آرزوی بهار	۸۸	قزوین
نساجی شمال	۴۵	گیلان
ایران چیکا	۱۴۰	گیلان
تن ساز	۹۹	گیلان
شیرپاستوریزه	۵۱	گیلان
گیلان پاکت	۱۰۰	لاهیجان
شرکت اعتماد	۳۵۰	بوشهر
شیمائی کهر	۵۰	بوشهر
ماکارونی سرنا	۵۰	بوشهر
بوشهر گچ	۵۰	بوشهر
خوش طعم	۱۰	بوشهر
آلومکار	۶۰	بوشهر
دلوار	۱۵	بوشهر
کیان	۱۰	بوشهر
لیان تاپ	۱۸۰	بوشهر
لوله سازی جنوب	۱۲	بوشهر
سهند	۱۰	بوشهر

بازخرد می شوند و تا کنون دهها نفر به این ترتیب بیکار شده اند"

عدم پرداخت دستمزدهای کارگری، باز خرید اجباری و تشدید فشار بر کارگران محدود به یکی دو کارخانه نیست، بلکه صدها کارخانه و مرکز تولیدی در سراسر ایران را شامل میشود. برای نمونه و طبق اعتراف دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان، طی سال ۷۸-۷۷، بیش از ۱۰ هزار کارگردارین استان باز خرید شده اند و در حال حاضر نیز ۲۰ کارخانه با بیش از ۲ هزار کارگر تعطیل و یا در حال تعطیل اند و متجاوز از ۲ هزار کارگر این کارخانه‌ها از ۲ تا ۳۰ ماه است حقوق نگرفته اند. در مازندران نیز بنا به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر این استان، ۱۵۰۰ کارگر کارخانه های خزرخز، چیت سازی، تخته سه لا، پاک پاک، سیمرغ شمال، بیش از ۶ ماه است که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند. در این استان بیش از ۵ هزار کارگر ۳ تا ۸ ماه است که حقوق نگرفته اند. (کارو کارگر ۲۲ خرداد ۷۹).

اوضاع در استان اصفهان و مراکز تولیدی و صنعتی آن نیز بهتر از این نیست "صنعت نساجی استان اصفهان با هزاران کارگر روبه نابودی کامل گذاشته است. مهیاران با ۳۰۰ کارگر مدت ۷ ماه است تعطیل شده و کارگران آن بلا تکلیف اند. کارخانه های دیسمان و کوه فرد در معرض تعطیلی اند. بیش از دو ماه است که به کارگران بافناز هیچگونه دستمزدی پرداخت نشده است (کارو کارگر ۲۵ خرداد) در استان آذربایجان، خراسان، کرمانشاه و سایر استان های کشور نیز اوضاع بر همین منوال است و در یک کلام دهها هزار کارگر در صدها واحد تولیدی، چندین ماه و در بعضی موارد بیش از دو سال است که هیچ گونه دستمزدی نگرفته و در حالت سرگردانی و بلاتکلیفی بسر می برند. روزنامه رسالت از قول رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در مورد توقف واحد های تولیدی می نویسد، هم اکنون بالغ بر ۴۰۰ واحد تولیدی به تعطیلی کشیده شده و کارگران این واحد ها بین ۳ تا ۲۷ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. هم او اضافه میکند که یک میلیون کارگر که در صنایع نساجی و کفش اشتغال دارند، از آنجا که "صنعت نساجی در آستانه رکود کامل و نابودی است و صنعت کفش به دلایل متعددی در حال از هم پاشیدن است، امنیت شغلی ده ها هزار کارگر دچار مخاطره شده است" (کارو کارگر ۲۵ خرداد ۷۹). طبق گزارشاتی که از سوی وزارت کار انتشار یافته است در حال حاضر حدود ۵۰۰ واحد تولیدی در آستانه تعطیلی اند و با مشکل پرداخت دستمزد کارگران مواجه اند.

تمامی این آمار و ارقام و نقل قول ها حاکی از اوضاع بحرانی در مراکز تولیدی، تشدید وخامت اوضاع معیشتی خانواده های کارگری و تشدید بیش از حد و اندازه فشار برگزیده کارگران است. در جدول زیر که روزنامه رسالت مورخ ۱۷

با این همه مسئله فقط این نیست که جمهوری اسلامی به کارگران دستمزدی نمی دهد که نرخ تورم را جبران کند، مسئله فقط این نیست که کارگردستمزدی نمی گیرد که بتواند با آن مخارج زندگی خود و اعضا خانواده اش را تامین کند، مسئله فقط اینهم نیست که حداقل دستمزدهای کارگری طبق خواست و توسط خود کارگران تعیین نمی شود! مسئله اینست که در شرایط فاجعه باری که جمهوری اسلامی بر کارگران تحمیل کرده است، حتی همان دستمزدهای نا چیزی را که خود سرمایه داران و کارفرمایان و دولت شان تعیین کرده اند، یعنی دستمزدهایی که در برابر نرخ فزاینده تورم، بطور واقعی هرساله کاهش یافته است، همان را هم به کارگران نمی پردازند و زورگوئی را به حد اعلا رسانده اند.

هم اکنون در صدها کارخانه و موسسه تولیدی در سراسر کشور ماههاست که به کارگران هیچ گونه حقوقی پرداخت نشده است. دهها هزار کارگردار اینگونه مراکز تولیدی، نگران از دست دادن کار خود هستند. روند اخراج و بیکار سازی کارگران همچنان ادامه دارد. علاوه بر اخراجهای وسیع و مستقیم، اخراج بطریقه باز خریدهای اجباری نیز وسیعاً رایج شده و ابعاد فاجعه باری بخود گرفته است. در بسیاری از کارخانه ها، سرمایه داران، مدیران و کارفرمایان به بهانه های مختلفی از قبیل زیاندهی، کمبود نقدینگی، ورشکستگی و امثال آن، از پرداخت حقوق کارگران سرباز می زنند. کارخانه را یا تعطیل و کارگران را از کار بیکار می کنند و یا این مراکز را به حالت نیمه تعطیل در آورده و کارگران را در حالت بلاتکلیفی نگاه میدارند و آنقدر کارگران را تحت فشار قرار میدهند تا آنها به باز خرید اجباری رضایت دهند. دولت نیز با حمایت بی دریغ از کارفرمایان و نیز به بهانه خصوصی سازی، این امکان را برای خود و همه سرمایه داران دیگر فراهم ساخته است تا به هر میزانی که می خواهند علیه کارگران اجحاف کنند و در تضییع حقوق آنها، هیچ منع و محدودیتی نداشته باشند. اخبار و گزارشاتی که گاه در روزنامه های رژیم هم به چاپ میرسد، دال بر زورگوئی فزون از حد سرمایه داران، استثمار و حشپانه و تشدید بیش از پیش فشار برگزیده کارگران است.

کارگری از صنایع چوب میگوید " هم اکنون ۲۶ ماه است که حقوق ما پرداخت نشده است، کار فرما اخیراً از آمریکا برگشته، کارخانه مصادره شده خود را باز پس گرفته و پس از مدت کوتاهی کارخانه را ورشکسته اعلام و به آمریکا بازگشته است" کارگر دیگری از کفش بلا میگوید "مدیران کارخانه ها به بهانه خصوص سازی اقدام به باز خرید اجباری کارگران کرده اند و ۱۲۰۰ کارگر این واحد تولیدی در آستانه بیکاری هستند. . . کارگران با پرداخت دوماه حقوق، بطور اجباری

زور گوئی سرمایه داران و گسترش اعتراضات رادیکال کارگری

کارگرانی که با دست خالی و شکم های خالی راهی خانه میشوند چگونه باید زندگی کنند؟ کارگران تا کی میتوانند در این جهنم سوزانی که سرمایه داران و حکومت اسلامی برایشان درست کرده‌اند بسوزند و بسازند؟ زورگوئی و فشار سرمایه داران از حد تحمل فراتر رفته است. کار به استخوان کارگران رسیده است. برای کارگران هم اکنون مسئله مرگ و زندگی مطرح است. کار به جایی رسیده است که کارگران حتی برای آنکه زنده بمانند جز چنگ در چنگ شدن با نظام حاکم و جز اعتراض و تشدید مبارزه راه دیگری ندارند. چنین است که به تناسب افزایش بهانه تراشی‌های سرمایه داران جهت تعطیل و توقف کارخانه‌ها، و به تناسب رواج هرچه بیشتر استفاده از کارمجمانی کارگران و عدم پرداخت یا تعویق دستمزدهای ادامه کاری، مبارزات و اعتراضات کارگران برای ادغام کاری، برای دریافت دستمزدهای عقب افتاده و برای کسب حق و حقوق خویش نیز گسترش یافته و به امری روزمره تبدیل شده است. دهها اعتصاب و اعتراض کارگری در طی همین سه ماهه اول سال جاری که اخبار آن نیز بخشا در نشریه کار هم انعکاس یافته است، حاکی از گسترش مبارزات کارگری و رادیکالیزه شدن این مبارزات است. به فراخور موقعیت و سابقه مبارزاتی هرکارخانه، کارگران نیز به شیوه‌ها و اشکال متفاوتی به اعتراض برخاسته‌اند. در برخی از واحدها که کارفرما آن را تعطیل اعلام نموده و یا احتمال توقف آن بیشتر بوده است، مثل شرکت جواهریان و *کارخانه پوشاک ایلام، کارگران هرروزه در محل کارخانه تجمع نموده و با حمل پلاکاردهائی، خواستار ادامه کاری، رفع بلامتلفی و پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شده‌اند. اعتصاب و برپائی اجتماعات اعتراضی در برابر کارخانه‌ها و مراکز دولتی از اشکال مهم و رایج اعتراضات کارگری بوده است که از جمله می‌توان به اعتصاب کارگران الموت قزوین و سپس تجمع در برابر استانداری، اعتصاب و تجمع کارگران کشمیران، سیمین اصفهان، آدامس خروس نشان، علاءالدین، کفش ملی، فیلتر البرز، تخته سه لای ساری و اعتصاب دو روزه کارگران فولاد آلیاژ بید اشاره نمود.

اما نکته مهمی که در اعتراضات اخیر کارگری به چشم می‌خورد، روی آوردی بیش از پیش کارگران به تظاهرات و بویژه مسدود ساختن جاده‌ها برای احقاق حقوق خویش است. وقتی که کارگران از سایر اقدامات اعتراضی خود نتیجه نمی‌گیرند، به خیابان‌ها می‌آیند، با حمل پلاکارد دست به تظاهرات می‌زنند و سرانجام برای آنکه بتوانند صدای اعتراض خود را هر چه وسیع‌تر انعکاس داده و به گوش دیگران برسانند، جاده

اردیبهشت نیز آترابه چاپ رسانده است، اسامی نزدیک به ۱۰۰ کارخانه در استان‌های مختلف کشور، همراه با شمار کارگران این واحدها را مشاهده می‌کنید که ماههاست هیچگونه حقوقی به آنان پرداخت نشده است.

با وجود آنکه در جدول فوق فقط به کمتر از یک پنجم واحدهای تولیدی که حقوق کارگران را نپرداخته و به تعویق انداخته اند اشاره شده است و نام بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولیدی، از جمله کارخانه آدامس سازی، شرکت کشمیران قزوین، شرکت علاءالدین، کارخانه سیمین اصفهان، کفش ملی، شرکت چوب و صنعت، شرکت آذرگاه، کشت و صنعت کارون و هفت تپه، جوراب گیلان و دهها واحد تولیدی دیگر که کارگران آن برای دریافت دستمزدهای خویش بارها دست به اعتصاب و اعتراض هم زده‌اند، از قلم افتاده است، معینا از همین جدول ناقص هم که در یکی از روزنامه‌های رسمی هیئت حاکمه به چاپ رسیده است، به روشنی می‌توان به تضییقات و فشارهائی که در حق کارگران اعمال می‌شود، به زورگوئی سرمایه داران و قطع یگانه منبع درآمد بخش عظیمی از کارگران و سرانجام به وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی و معیشتی دهها هزار کارگر و اعضا خانواده آنها پی برد.

اتحاد، شرط پیروزی کارگران است

کارفرمایان و سرمایه داران تاجائی که میتوانند از شرایط بحرانی موجود سو استفاده میکنند، کارگران را دسته دسته اخراج میکنند، با تعطیل و توق و لوق نمودن مراکز تولیدی، کارگران را به بیکاری و بلامتلفی میاندازند، قراردادهای موقت را بر کارگران تحمیل میکنند، از حقوق و مزایای کارگری می‌زنند و دوباره آنها را با حقوق و مزایای کمتری بکار وامی دارند، ماهها دستمزد کارگران را نمی‌دهند و از کارگران مجانا کار میکشند و خلاصه در بهشتی که حکومت اسلامی برای آنها ایجاد کرده است، می‌خورند و می‌خوابند و از قبل استثمار وحشیانه کارگران سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند.

اما چه کسی است که نداند آن روی ایجاد چنین بهشتی برای سرمایه داران، جهنمی است برای کارگران؟! کارگرانی که دائما با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند، کابوس اخراج و بیکاری یک لحظه رهایشان نمی‌کند، امنیت شغلی ندارند و برای دریافت دستمزدهای ناچیز خویش، ماهها باید در انتظار بمانند و هیچکس جز وعده و وعید چیزی به آنها نمی‌دهد! با وعده و انتظار آیا می‌توان کرایه خانه را پرداخت، شکم گرسنه را با انتظار و وعده می‌توان سیر کرد؟ و یا همان حداقل هزینه‌های حیاتی و بخور و نمیر را تامین کرد؟ براستی

نام شرکت	پرسنل	استان
پایدور	۳۰	بوشهر
پیروز سنگ	۵	بوشهر
چینی سنگ	۵	بوشهر
گرما جنوب	۴	بوشهر
مسواک بوشهر	۱۲	بوشهر
صنعت فلز	۱۵	بوشهر
پرپلاست	۷	بوشهر
هوپلاست	۵	بوشهر
ریسمانویسی	۳۶۷	سمنان
پلیکان	۸۷	طیس
خانه سازی	۱۷۴	کرمان
چارکاف	۵۳	کرمان
پشمبافی آسیا	۵۴	کرمان
آجر آجیل و جنگید	۵۰۰	خوزستان
لوله سازی خوزستان	۱۰۰۰	خوزستان
سیوان راهساز	۱۰۰	ارومیه
پوست و چرم	۱۴۷	لرستان
آمورآب	۲۰۰	سیستان بلوچستان
ریسندگی زابل	۴۰۰	سیستان بلوچستان
گردن دریا	۷۰	سیستان بلوچستان
مجموعه ایران	۷۰	سیستان بلوچستان
ساختمان رس	۹۰	سیستان بلوچستان
ماکارونی خوش طعم	۲۰۰	سیستان بلوچستان
پیام آفرین	۵۰	سیستان بلوچستان
شهرداری دهدشت	۱۴۰۰	کهکیلویه بویراحمدی
ماسه آهکی ایرانشهر	۱۵۰	سیستان بلوچستان
چوب اسالم	۴۰۰	اسالم
پشم آور همدان	۱۲۰	همدان
چوب الموت	+	قزوین
کفش گنجه	۶۰۰	رودبار
قطعات یدگی	۵۰	رشت
گلیتان	۵۰	رشت
ترنج طلائی	۱۰۰	رشت
آسالدرگیلان	۱۸۰	رشت
خانه های پیش ساخته	۶۰	رشت
صنایع آرامش	۱۰۰	یزد
شهراب	۱۲۰	نطنز
الیاف آذر	۱۰۰	تبریز
پاکریس	۱۰۰	تبریز
آردسازی آذربیناد	۳۰	تبریز
ناونی بهرایران	۴۰	خراسان
شهرک صنعتی	۱۲۰	خراسان
پنیرجوفا	۱۲	خراسان
راه ترابری	۷۰	خراسان
آب و فاضلاب	۲۰	خراسان
گازان	۸۰	همدان
سیمرغ شمال	۱۳۰	مازندران

زور گوئی سرمایه داران و گسترش اعتراضات رادیکال کارگری

ها را مسدود نموده و از عبور وسائل نقلیه ممانعت بعمل می آورند. نمونه های زیر نشانگر استفاده وسیع تر کارگران از این شیوه مبارزه اعتراضی، درمقایسه با سال گذشته است. هزاران تن از کارگران کفش ملی، یکبار در فروردین ماه و بار دیگر در خرداد ماه سال جاری دست از کار کشیدند و با برپائی یک اجتماع اعتراضی در جاده قدیم کرج، دست به تظاهرات زدند و جاده را مسدود ساختند. دوازدهم اردیبهشت ماه، صدها تن از کارگران علاءالدین پس از برپائی تجمع اعتراضی در برابر کارخانه، در جاده مخصوص کرج اجتماع نموده و جاده را مسدود نمودند. همین کارگران، یک هفته بعد یعنی روز نوزدهم اردیبهشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش، بار دیگر جاده مخصوص کرج را بستند. همان روز کارگران مبلیران نیز باتفاق کارگران علاءالدین و در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش دست به تجمع اعتراضی زدند و جاده مخصوص کرج را بستند. در تاریخ بیست و چهارم خرداد نیز بار دیگر کارگران شرکت علاءالدین دست به اعتصاب زدند و با حمل پلاکاردهائی، در اتوبان تهران- کرج به تظاهرات پرداخته و به عنوان اعتراض این جاده را مسدود کردند. کارگران شرکت کشمیران وابسته به بنیاد مستضعفان نیز در تاریخ بیستم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب و تجمع زدند و با حمل پلاکاردهائی به طرح مطالبات خویش پرداختند و در اعتراض به عقب افتادن حقوق و مزایای خود، جاده کرج را بستند. یک روز بعد یعنی بیست و یکم اردیبهشت ماه کارگران کفش ستاره در اعتراض به عقب افتادن حقوق ها، جاده ساوه را مسدود کردند. کارگران پوست و چرم لرستان نیز در ادامه اقدامات اعتراضی خود تهدید کرده اند چنانچه مسئولین به خواستهایشان رسیدگی نکنند، جاده ترانزیتی تهران- اهواز را خواهند بست!

خواست محوری تمامی این اعتراضات، پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده بوده است و کارگران پس از آنکه با مراجعات مکرر به مقامات و مسئولین و از طریق سایر اشکال مبارزه اعتراضی نتوانسته اند حقوق خود را بگیرند، در نهایت اعتراض خویش را به صورت تظاهرات و ایجاد راه بندان بیان کرده اند. نزدیک به یک سوم از مجموعه اعتراضات کارگری در دوره سه ماهه اخیر، سرانجام به تظاهرات و مسدود ساختن جاده ها منتهی شده است که از لحاظ کمی به بیش از یک و نیم برابر آن در تمام طول سال گذشته میرسد. کثرت این نوع اقدامات اعتراضی،

دین از دولت باید جدا گردد



جمهوری اسلامی با تلفیق آشکار دین و دولت و استقرار یک حکومت مذهبی، هرگونه آزادی و دموکراسی را از توده مردم ایران سلب نموده و این حقیقت را بار دیگر در برابر همگان آشکار ساخته که دولت مذهبی دشمن آزادی و دموکراسی است. لذا پیش شرط هرگونه آزادی و دموکراسی، جدائی دین از دولت و نفی دولت مذهبی است. سازمان فدائیان (اقلیت) که پیگیرترین مدافع آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم ایران است، از جدائی کامل و همه جانبه دین از دولت دفاع میکند.

سازمان فدائیان (اقلیت) بر این اعتقاد است که:

دین و مذهب باید امری خصوصی اعلام شود و دولت خود را از قید هرگونه دین و مذهبی رها سازد.

هرگونه امتیاز برای یک مذهب خاص و انحصار مذهب رسمی باید ملغا شود.

هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت قرار گیرد و هرگونه کمکی از بودجه دولت به نهادهای مذهبی باید مطلقاً ممنوع شود.

ذکر دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی باید منسوخ گردد.

هر عضو جامعه مختار و مجاز است، دین داشته و یا نداشته باشد. به دینی برگرد یا از آن روی برگرداند.

مدارس و آموزشگاهها باید مطلقاً غیر مذهبی باشند. تدریس هرگونه امور دینی و انجام مراسم مذهبی در مدارس باید موقوف شود.

مذهب و دستگاه روحانیت نباید هیچگونه دخالتی در امور مدارس و برنامه های درسی و آموزشی داشته باشد.

سازمان فدائیان (اقلیت) کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

گسترش جنبش های اعتراضی زحمتکشان تهیدست

مطالبات این مردم را برآورده سازد و آنها را از فقر و بدبختی نجات دهد. چرا که میان این فقر و ثروت سرمایه داری رابطه ای است که آن را با هیچ چیز دیگری جز سرنگونی نظام سرمایه داری نمیتوان تغییر داد. تنها سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری دولت شورائی کارگران و زحمتکشان می تواند وضعیت را دگرگون سازد.

عمیق تر می شود. بر تعداد بیکاران افزوده می شود. نرخ تورم بازم افزایش می یابد و شرایط معیشت کارگران و زحمتکشان وخیم تر میگردد. لذا بدیهی است که این توده زحمتکش، مبارزه خود را علیه نظم موجود تشدید کند. نه رژیم شاه قادر بود پاسخی به مطالبات این توده زحمتکش بدهد، نه جمهوری اسلامی و نه هیچ دولت سرمایه داری دیگری قادر خواهد بود

فرمایان و سرمایه داران و نجات از جهنمی که حکومت اسلامی برای کارگران درست کرده است، ممکن نیست. اتحاد بخش های مختلف کارگری و بویژه جلب حمایت و پشتیبانی کارگرانی که بامشکل تعویق پرداخت حقوق روبرو نمی باشند، اقدام بسیار مهمی است که در شرایط کنونی قادر است مبارزه برای پرداخت حقوقهای معوقه وکل مبارزه کارگری را چندین گام به جلو سوق دهد.

گرچه از یک سو نشانه بی توجهی کارفرمایان و سرمایه داران و بی پاسخ گذاشتن مطالبات کارگری و نیز تشدید فشارهای کمرشکن بردوش کارگران است، اما در عین حال گویای رادیکالیزه شدن مبارزات توده عظیمی از کارگران است که حیات و ممت آنها به خطر افتاده و می خواهند خود را از جهنم جمهوری اسلامی نجات دهند. بدون اتحاد و یکپارچگی و بدون یک مبارزه متحدانه و سراسری، پیروزی قطعی بر کار-

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

زور آزمائی مجلس و دستگاه قضائی

اخباری از ایران

اعتصاب و تظاهرات کارگران گروه صنعتی کفش ملی

کارگران گروه صنعتی کفش ملی که تعداد آنها به چند هزار نفر میرسد، از اواخر سال گذشته دستمزد و مزایای خود را دریافت نکرده اند. اعتراضات متعدد کارگران در چند ماه گذشته نسبت به عدم دریافت حقوق و مزایا به جایی نرسید، لذا کارگران دست از کار کشیدند و با تجمع در جاده قدیم کرج دست به تظاهرات زدند و جاده را مسدود کردند. کارگران خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای معوقه، پرداخت حق بیمه کارگران توسط کارفرما که چند ماه است به تعویق افتاده است و غیره بودند. این گردهم آئی و تظاهرات کارگران در پی مداخله پلیس ضد شورش چند ساعت ادامه یافت. مقامات دولتی بازم به کارگران وعده دادند که خواستههای آنها را عملی خواهند ساخت.

تجمع کارگران کارخانه تخته سه لائی ساری در مقابل استانداری

کارگران شرکت تخته سه لائی ساری در اوائل تیرماه یک بار دیگر با تحصن در مقابل استان داری مازندران به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در ۶ ماه گذشته و تعطیلی این کارخانه اعتراض کردند. این کارگران که تعداد آنها به حدود ۱۰۰۰ نفر می رسد در مذاکره با مقامات دولتی خواهان پرداخت حقوق معوقه و ازسر گیری مجدد فعالیت کارخانه شدند. پس از آن که به کارگران قول داده شد که بزودی مطالبات آنها متحقق خواهد شد به تحصن خود خاتمه دادند.

اعتصاب کارگران شرکت خدماتی کیش

متجاوز از صد تن از کارگران شرکت خدماتی کیش که بیش از سه ماه پرداخت حقوق و مزایای آنها به تعویق افتاده است، دست به اعتصاب زدند. آنها خواهان پرداخت منظم دستمزدها، اضافه کاری و عیدی بودند. آنها همچنین به وضعیت بد بهداشتی، تغذیه نامناسب و محرومیت از بیمه اعتراض داشتند. کارگرانی که حتی ده سال در این شرکت خدماتی کار می کنند، بیمه نیستند.

زورگوئی کارفرمای شرکت اشتیاق

کارگران قراردادی کارخانه تولید کننده روغن موتور بهران، مدت یک سال است که حقوق و مزایای خود را منظم دریافت نمی کنند. این کارگران از حق مرخصی سالانه نیز محروم اند.

کنند. در پایان نیز از قضات خواست که بدون توجه به مخالفتها به کار خود ادامه دهند. پاسخ شاهرودی رئیس قوه قضائی به نمایندگان مجلس چینی جزاین نبود که بگوید: "اصلاحات در جمهوری اسلامی با الهام از وحی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین باید انجام گیرد.

توسعه قضائی به معنای رسیدن به نظام قضائی توسعه یافته ای است بر مبنای اندیشه و فقه اهل بیت. این پاسخ به این معنا بود که اصلاحاتی در دستگاه قضائی در کار نیست. پاسخی هم به مسئله روزنامه های تعطیل شده و دستگیرشدگان داده نشد. این منازعات هم اکنون با حدت تمام در جریان اند و هر لحظه تشدید میشوند، چرا که اکنون این منازعه قوه قضائیه و مقننه به یکی از کانون های اصلی درگیری دو جناح تبدیل شده است.

یک جناح هیئت حاکمه با در دست داشتن زمام امور دستگاه قضائی میکوشد با تشدید اقدامات سرکوبگرانه به جناح دیگر در مجلس حالی کند که چنانچه بخواهد پارا از گلیم خود فراتر نهد، با دادگاه، ممنوعیت، محکومیت و زندان روبرو خواهد بود. گروه های دوم خردادی نیز در تلاشند با زیر ضرب گرفتن قوه قضائیه، جناح رقیب را به عقب نشینی وا دارند و برخی از مواضع را در این ارگان را بچنگ آورند. لایحه اصلاح مطبوعات نخستین آزمون این جناح در مجلس است، تا دستگاه قضائی را به عقب نشینی وا دارد و یا کلا مطبوعات را از چنگ قوه قضائیه در آورد و به قوه مجریه بسپارد.

البته این جناح در پیشبرد سیاست خود با موانع متعددی روبروست و بعید می نماید که بی درد سر بتواند این مسئله را به نفع خود حل کند. چون اولاً - گروه های دوم خردادی طیف نا همگونی را با اختلافات عدیده تشکیل میدهند و نمی توانند بر سر مسائل مختلف یکپارچه عمل کنند. ناگفته روشن است که بر سر بسیاری از مسائل موضع مجمع روحانیون و کارگزاران به جناح رقیب نزدیکتر میباشد. ثانیاً - با فرض این که اصلاحیه مطبوعات در مجلس تصویب شود، با مانع شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت روبرو هستند. ثالثاً - با مانع سران دستگاه روحانیت روبرو هستند که هم اکنون نیز علیه این اصلاحیه موضع گرفته اند. پس گروه های دوم خردادی طرفدار خاتمی در مجلس مشکل بتوانند در این زور آزمائی با دستگاه قضائی خامنه ای پیروز شوند. این منازعه به صورت یک منازعه کشدار و پرتنش جناح های رقیب ادامه خواهد یافت و دستگاه دولتی را با تضاد ها و شکافهای عمیق تری روبرو خواهد ساخت.

نوبت به درگیری وزور آزمائی مجلس و دستگاه قضائی حکومت اسلامی رسیده است. تضادهای هیئت حاکمه، قوای مقننه و قضائیه حکومت اسلامی را به رودرروئی با یکدیگر کشانده است. در هفته های اخیر منازعه این دو ارگان به شدت حاد شده است. در پی انتخابات مجلس ارتجاع اسلامی که جناح خامنه ای را در مجلس ششم در اقلیت قرارداد، دستگاه قضائی رژیم، فشار به جبهه دوم خردادیه را تشدید نمود. در این مدت کوتاه ۱۹ روزنامه و مجله به دستور دادگستری تهران توقیف شدند. دادگاه ویژه روحانیت حتی مرتجعی مثل محتشمی پور را نیز از این تسویه حساب معاف نکرد و روزنامه بیان نیز تعطیل شد. در این مدت تعدادی از مدیران، سردبیران و روزنامه نگاران وابسته به جناح خاتمی دستگیر و روانه زندان شدند. در پی کنفرانس برلین نیز تعدادی از فعالین سیاسی طرفدار خاتمی دستگیر شدند. وکلای دانشجویان و مقتولین کشتارهای وزارت اطلاعات هم به بهانه ای دیگر بازداشت شدند. این اقدامات سرکوبگرانه قوه قضائیه بویژه هنگامی تشدید شد که گروه های طرفدار خاتمی در مجلس اعلام نمودند که می خواهند قانون مطبوعاتی را که مجلس پنجم در آخرین روزهای حیات خود تغییر داد، مجدداً احیاء کنند و بعداً نیز آنرا با قید یک فوریت در دستور کار مجلس قرار دادند. در پی این رویدادها جنگ لفظی میان این دو دسته در گرفت. طرفداران خاتمی که از بیگروبیندهای قوه قضائیه نگران شده بودند، حملات خود را به قوه قضائیه تشدید کردند. ۱۵۱ نماینده مجلس طی نامه ای به رئیس قوه قضائیه، دستگاه قضائی را مورد حمله قرار داده و به باد انتقاد گرفتند. آنها در نامه خود از "برخورد های ناصواب دادگستری تهران با برخی از مطبوعات" سخن گفتند و به این که "در دوماه اخیر شاهد سلسله دستگیریهای به بهانه های مختلف بوده ایم" اعتراض کردند و خواهان آن شدند که "هر چه زودتر به این وضع ناهنجار پایان داده شود." امضا کنندگان این نامه همچنین خواستار اصلاحات در دستگاه قضائی شدند. این درگیریها به جایی رسید که خامنه ای چاره را در این دید که راسا وارد میدان شود و از دستگاه قضائی اش دفاع کند. او در دیدار با قضات و کارمندان قوه قضائیه بدون اینکه مستقیماً نامی از نمایندگان مجلس بیاورد، آنها را به شدت مورد حمله قرار داد. آنها را آدمهای عقده ای نامید و گفت: "بعضی از جناح های سیاسی دنبال این هستند که اقتدار و صلابت قوه قضائیه را از آن سلب کنند تا این قوه قدرت اقدام نداشته باشد. بعضی در پی ارباب مسئولان قوه قضائیه اند تا با آنها همخوانی

اخباری از ایران

کارفرمای این کارخانه هرکارگری را که نسبت به وضع موجود در این کارخانه اعتراض داشته باشد، اخراج میکند. کارگران طی نامه‌ای که در مطبوعات رژیم انتشار یافته به این زورگوئی سرمایه دار اعتراض نموده و خواستار رسیدگی مسئولین وزارت کار شده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران آدامس خروس نشان

روز چهارشنبه بیست و هشتم اردیبهشت ماه، حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت تولیدی آدامس خروس نشان دست به یک حرکت اعتراضی زده و در برابر این شرکت تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت دو ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. پس از آنکه از سوی مسئولین شرکت قول مساعد داده شد، کارگران به تجمع اعتراضی خود پایان دادند.

اعتصاب کارگران کارخانه آدامس سازی

به دنبال وعده های سرخرمن مسئولین کارخانه آدامس سازی، دهها تن از کارگران این کارخانه روز دوشنبه نهم خرداد دست به اعتصاب زدند. کارگران ضمن اعتراض به سوء مدیریت در این کارخانه، خواهان پرداخت سه ماه حقوق و مزایای معوقه خویش شدند و تهدید کردند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود، دست به تظاهرات و تجمع در برابر ساختمان بنیاد مستضعفان خواهند زد. قابل ذکر است که کارخانه یادشده از زیر مجموعه های بنیاد مستضعفان بوده است که از سال ۷۱ به بخش خصوصی واگذار شده است. طی چند سال گذشته کارگران شاغل این کارخانه از ۳۷۰ نفر به ۱۵۰ نفر کاهش یافته است. سرمایه دار مالک این کارخانه، در برابر اعتراضات کارگران، کارخانه را تعطیل و ۱۵۰ کارگر دیگر را نیز از کار بیکار نموده است.

تحصن کارگران بیکار شده در تبریز

حدود یکصد تن از کارگران مستمری بگیر بیمه بیکاری، در اعتراض به بخشنامه سازمان تامین اجتماعی و قطع مقرری ماهیانه قریب به ۵۰۰ تن از کارگران بیکار شده تبریز، دست به تحصن زدند. این تحصن که در برابر اداره کل تامین اجتماعی آذربایجان شرقی صورت گرفت، از ساعت ۸ صبح آغاز شد و تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر ادامه یافت. سرانجام با حضور نماینده فرمانداری تبریز و مسئولین انتظامی، مقررشد مشکلات این کارگران بررسی وحل و فصل شود.

در صفحه ۹

ادغام های عظیم و خرید شرکت ها

رقابتی بین دلار، ین و یورو سرمایه جدید را طلب می کنند. تکنولوژی جدید انقلاب اطلاعاتی منجر به تشکیل شبکه های بزرگ بین المللی و در مقیاس جهانی فعال میشوند که تعداد زیادی از شرکتها رامستقیم یا غیر مستقیم کنترل میکنند. در عمل این شبکه ها باعث می شوند که اولا هزینه های عظیم مربوط به تحقیقات و توسعه بین شرکتهای مختلف سرشکن شوند، ثانيا منجر به کنترل و افزایش سهم بازار ملی، قاره ای و جهانی این شرکتها میشوند که بالنتیجه به چنان سطح بالائی از سود دست می یابند که با سطح بالای هزینه های مربوط به تحقیقات، توسعه و خدمات منطبق است. ثانيا منجر به صرفه جوئی در هزینه های مربوط به فروش، بازاریابی و تبلیغات بویژه در بخشهای خدمات کامپیوتری می شوند.

واکنش های زنجیره‌ای

در اوت ۱۹۹۸ شرکت بریتانیایی BP و شرکت آمریکائی Amoco در یکدیگر ادغام شدند. چهار ماه بعد در پاسخ به این ادغام، دو شرکت امری - یکائی Exxon و Mobil در یکدیگر ادغام شده و به این ترتیب به بزرگترین شرکت نفتی جهان تبدیل شدند و شرکت انگلیسی - هلندی Shell را به رده دوم تنزل دادند. دوشرکت ادغام شده BP و Amoco (که با شرکت نفت آذربایجان بخشی از نفت شوروی سابق را کنترل میکنند) شرکت آمریکائی Arco را در خود ادغام نمودند تا بدین ترتیب مکان سوم در بین شرکتهای نفتی را برای خود تثبیت کنند. در دسامبر ۱۹۹۸ شرکت فرانسوی Total شرکت بلژیکی Petrofina را خرید و در آوریل ۱۹۹۹ شرکت اسپانیائی Repsol شرکت آرژانتینی Yacimientos Pettoliferos را در خود ادغام نمود. شرکت نروژی Saga در شرکت نیمه دولتی نروژی Nosk Hydro ادغام شد و دو شرکت ژاپنی Mitsubishi oil و Nippon oil در ژاپن بزرگترین شرکت نفتی را بوجود آوردند. در سپتامبر همین سال شرکت Tota- Fina کنترل شرکت فرانسوی Elf را به دست آورد و با این ادغام به چهارمین شرکت بزرگ نفتی جهان تبدیل شد و بدین طریق زمینه مساعدی پدید آمد که با شرکت ایتالیائی ENI وارد مزاکره شود.

نتیج این ادغام ها از یک طرف افزایش سود دهی این شرکت ها و ایجاد شرایط جدید رقابتی در مقیاس جهانی و از طرف دیگر افزایش ریسک برای این شرکتهاست. از دیگر نتایج این ادغام ها می توان به از بین رفتن امکان شغلی و پائین آمدن سهم درآمد نیروی کار در ارزش جدید کسب شده اشاره کرد.

در بخش صنعت نفت دوشرکت Exxon و Mobil انتظار داشتند که با این ادغام، هزینه های آنها به میزان ۲۴ میلیارد فرانک در سال کاهش یابد و BP و Amoco امیدوار بودند که هزینه سالانه

در صفحه ۸

این مقاله ترجمه خلاصه شده‌ای است از نشریه " سوسیالیسم" چاپ آلمان، ماه مارس ۲۰۰۰ که جهت آشنائی خوانندگان نشریه کار، اقدام به درج آن می نمائیم. این امر الزاما به معنای تائید مواضع مطروحه نیست.

مطبوعات از ادغام شرکتهای بزرگ با عناوینی همچون "جنون" " دیوانگی" " سرعت سرسام آور" یاد میکنند. این عناوین نشان از وسعت و افزایش قابل توجه ادغام ها و خرید شرکت ها بویژه شرکت های بزرگ در دهه ۹۰ قرن گذشته است. تنها ادغام های " برون مرزی" در نیمه نخست سال ۱۹۹۹ در مقایسه با همین دوره در سال پیش از آن، ۶۸ درصد افزایش نشان میدهند. این موج نوین ادغام ها که از اواسط دهه ۸۰ آغاز گردید در ۱۹۹۸ ابعاد حیرت آوری به خود گرفت. این ادغام ها نخست آمریکا و در پی آن اروپا را فراگرفت. توام با ادغام های " برون مرزی" که تاثیرات جهانی داشتند، ادغامهای " برون مرزی" پیشماری نیز صورت گرفت که نمونه برجسته آن فرانسه است.

در سال ۱۹۹۸، ده تا از مهمترین ادغام هائی که تعدادشان به ۱۲ میرسد در آمریکا اتفاق افتاد. اما در سال ۱۹۹۹ در پی دو ادغام عظیم در آمریکا، تعداد کثیری از ادغامهای بزرگ در اروپا به وقوع پیوست. تعداد قابل ملاحظه ای از این ادغام ها مربوط به شرکتهای فرانسوی - آلمانی بودند. به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد.

ادغام شرکت فرانسوی Alerospatiale - Marta با شرکت آلمانی DASA و پیوست بعدی شرکت اسپانیائی CASA در بخش مسافرتهاى هوائی و فضانوردی.

ادغام شرکت فرانسوی Rhone - Poulenc با شرکت آلمانی Hoechst- Marion - Roussel تحت نام Avcntis در بخش Lief - Science.

ادغام فعالیت های هسته ای (اتمی) شرکت فرانسوی Framatome با شرکت آلمانی Sicismens در یک شرکت مشترک. همکاری اعلام شده راه آهن دولتی فرانسه SNCF و شرکت راه آهن آلمانی در زمینه تولید یک قطار مافوق (سرعت) سریع اروپائی با همکاری شرکت های فرانسوی Sicismens و Alsthom.

هرچند که این موج قبل از همه بخش های ارتباطات، داروسازی، هوانوردی - فضانوردی و انرژی را که در تکنولوژی جدید از سایر بخشها پیشرفته تر هستند را در نوردید، اما در حرکت خود تمامی بخشهای صنعت و همچنین بخش خدمات بویژه فعالیت های بانکی، مالی و بیمه ها را نیز در بر گرفت.

در کنار هزینه های بالای تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات می توان دلایل اساسی دیگری از جمله رقابت نا محدود شرکتهای بر سر بازارها و نیاز شدید دستیابی به بازار مالی را نام برد. هم تسریع نو آوری های تکنولوژیک و هم جنگ

ادغام‌های عظیم و خرید شرکت‌ها

آنها به میزان ۱۲ میلیارد فرانک کاهش یابد و تنها ۵۰ درصد این هزینه‌ها مربوط به اخراج کارگران و از بین بردن امکان شغلی بود. این پدیده در سایر بخش‌ها نیز قابل مشاهده است. به عنوان مثال در بخش مالی در نتیجه ادغام بانک آلمانی Deutsche Bank و بانک آمریکائی Bankers Trust و یا ادغام دو شرکت آمریکائی Travellers و Citicorp از طریق اخراج کارگران به میزان زیادی در هزینه دو شرکت صرفه جوئی شد.

فشار بر روی شرکت‌ها بوسیله ادغام شرکت‌های رقیب

ادغام و خرید شرکتها عملا کما بیش منجر به از بین رفتن امکان شغلی (اخراج کارگران) در شرکت‌های رقیب میشود. این پدیده را میتوان به بارزترین شکل در شرکت Michelin نشان داد: ادغام دو شرکت آمریکائی Goodyear و شرکت ژاپنی Sumitomo تأثیرات مخربی بر روی شرکت Michelin به جای گذاشت ، چرا که رقابت دو شرکت فوق با شرکت Bridgestone بر سر رتبه اول در صنعت لاستیک سازی، شرکت Michelin را به رتبه سوم تنزل داد. بعلاوه بهای سهم شرکت Michelin در جریان سال ۱۹۹۸ تنزل پیدا کرد به طوری که این شرکت در اوت همین سال شروع به احتکار سهام خود نمود. اما پس از این که شرکت مذکور ، دست به اخراج کارگران زد، سهام آن یک مرتبه ۱۲/۶ درصد رشد کرد و درصد سود دهی و سود سهام آن نیز افزایش یافت. پی‌آمد این امر جذب سرمایه به این شرکت بود.

تشدید تضادها

در پی تغییرات ساختاری که به دلیل پیشرفت در خدمات اجتماعی و تولیدات جدید در بخش اطلاعات صورت گرفته است، امروزه از "اقتصاد جدید" و "سرمایه داری جدید" صحبت میشود، اما در واقعیت امر آنچه که رخ داده تشدید تضادهای سرمایه داری ، تشدید تضاد بین سرمایه مالی سوداگر و کاراست. تسریع ادغام شرکت‌های فراملیتی و یا افزایش قدرت اقتصادی بلوک های سرمایه‌داری مثل کشورهای اتحادیه اروپا ، نه تنها این تضاد را تخفیف نمی دهد بلکه با افزایش دامنه فعالیت سرمایه‌های رقیب، این تضادها تشدید میشوند. در واقع تسریع توسعه شرکت های انحصاری و وابستگی متقابل شبکه های تولید، خدمات مالی، در حالیکه کورس سهام و بازارهای مالی همچنان رونق دارند، اما اشتغال سیر نزولی را طی میکند، حکایت از این دارند که در آینده شاهد بحران‌های دیگر خواهیم بود . رقابت های جدید بین دلار، ین و یورو حول جذب سرمایه نیز این بحران را تشدید میکند. تضادهای توسعه تکنولوژی جدید، ابعاد بیکاری و گسترش انفجاری بازارهای مالی جهانی که پراثر بحران‌های جهانی بوجود آمده اند، زمانی آغاز شدند که برخی از نظریه پردازان از اقتصاد جدید سخن به میان آوردند که گویا قارداست بر بحران غلبه کند . این علائم آشکار بحران ، تازه ابتدای کار را نشان می دهند. پس از این آرامش کوتاه مدت، احتمال بحران‌های جدیدتری می رود که بدون شک از وال استریت آغاز می شوند، چرا که ازم اکنون علائم توقف رشد اقتصادی در آمریکا دیده میشوند.

خلاصه پیام روابط عمومی سازمان به کنگره سازمان فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان با ارسال پیامی به دومین کنگره سازمان فدائیان کمونیست به شرکت کنندگان شاد باش گفته است. در این پیام آمده است که جمهوری اسلامی همچنان با یک بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی روبروست. وعده‌های جناح عوام فریب تر رژیم بر کارگران و مردم زحمتکش آشکار شده است. به هیچیک از خواسته‌های توده مردم پاسخ مناسبی که متضمن منافع کارگران و زحمتکشان باشد داده نشد . در عوض فشار های اقتصادی و سیاسی برگردان کارگران و سایر اقشار زحمتکش دائما فزونی یافته است. سپس این پیام با اشاره به اعتصابات و اعتراضات متعدد کارگران و زحمتکشان نتیجه می گیرد که تراکم چندین ساله فشارها و نارضایتی، جامعه را به آستانه یک انفجار بزرگ نزدیک تر ساخته است. پیام با اشاره به قطب بندی های جدیدی که در صف اپوزیسیون در حال شکل گیری است، خاطر نشان میسازد که جریانات بورژوائی ، رفرمیست و لیبرال به منظور مهار جنبش و به شکست کشاندن آن صفوف خود را متشکل تر می کنند. از کنار این خطر واقعی نمی توان و نباید بی تفاوت گذشت. " کمونیستها و چپ های انقلابی برای این که بتوانند به طور موثری از انقلاب و خواست کارگران و زحمتکشان دفاع کنند، برای این که بتوانند در جریان تحولات آتی به یک نیروی حقیقتا تاثیر گذار تبدیل شوند" . . . بایستی به پراکندگی خود پایان دهند. خود را در یک بلوک چپ انقلابی متشکل سازند و با وحدت در عمل، مبارزه متحدانه‌ای را پیش ببرند.

خرید های بزرگ شرکتها

شرکت خریدار	شرکت موضوع خرید	بخش	سال	مبلغ به میلیارد فرانک
انگلیس	Vodafone Group	ارتباطات	۲۰۰۰	۳۷۱
آمریکا	AOL	اینترنت_ وسائل ارتباط جمعی	۲۰۰۰	۳۳۱/۷
آمریکا	MCI Worldcom	ارتباطات	۱۹۹۹	۲۳۱/۲
آمریکا	Pfizer	داروسازی	۲۰۰۰	۱۶۹/۶
آمریکا	Exxon	نفت	۱۹۹۸	۱۵۰/۹
آمریکا	Travelers (Citigroup)	بانک	۱۹۹۸	۱۴۴/۷
آمریکا	SBC communications	ارتباطات	۱۹۹۸	۱۲۴/۶
انگلیس	Vodafone Group	ارتباطات	۱۹۹۹	۱۲۴/۶
آمریکا	Nations Bank	بانک	۱۹۹۸	۱۲۰/۶
آمریکا	ATet T	ارتباطات_ تلویزیون	۱۹۹۹	۱۱۶/۶
آمریکا	ATet T	ارتباطات	۱۹۹۸	۱۱۰/۶
فرانسه	Total Fina	نفت و فراورده های نفتی	۱۹۹۹	۱۰۶/۵
آمریکا	Bell Atlantic	ارتباطات	۱۹۹۸	۱۰۶/۵
آمریکا	Owest	ارتباطات	۱۹۹۹	۹۷/۵
انگلیس	BP	نفت	۱۹۹۸	۹۷/۵
آمریکا	Viacom	مطبوعات	۱۹۹۹	۷۴/۴
برمودا	Gloobal - Crossing	ارتباطات	۱۹۹۹	۷۴/۴
آمریکا	MCI Worldcom	ارتباطات	۱۹۹۷	۷۴/۴

اخباری از ایران

اعتراض کارگران فرش کیمیا

اواخر اردیبهشت ماه، کارگران شرکت فرش کیمیا در مشهد، نسبت به وضعیت نامطلوب و غیربهداشتی محیط کار، دست به اعتراض زدند. در این حرکت اعتراضی، کارگران خواستار بهبود شرایط کار و نصب سیستم مناسب تهویه هوا شدند. مسئولین شرکت که فقط به سود و استثمار بیشتر کارگران می اندیشند و نه به سلامتی کارگران، نه فقط از پذیرش این خواست ابتدائی سرباز زدند و به کارگران گفته اند که باید با همین شرایط " بسازند"، بلکه در مقام تلافی در آمده و روز بعد در کارخانه را به روی کارگران بستند.

اعتصاب کارگران فولاد یزد

جمع زیادی از کارگران و کارکنان شرکت ملی فولاد آلیاژ یزد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای خود و نیز در اعتراض به تفاوت فاحش میان دستمزدهای کارگری و دریافت های کلان و حقوق مدیران، دست از کار کشدند و به یک اعتصاب دوازده روزه دست زدند.

تجمع اعتراضی زحمتکشان شهرک سینا

روز سه شنبه هفدهم خردادماه، حدود ۴۰۰۰ نفر از ساکنین شهرک سینا، در اعتراض به کمبود آب دست به تجمع زده و به تظاهرات پرداختند. اعتراض کنندگان با مسدود ساختن جاده قدیم کرج، در حالیکه علیه مسئولین و دستگاههای حکومتی شعار میدادند، اتوبوس ها و سایر خودروها و مراکز دولتی را مورد حمله قرار دادند. قابل ذکر اینکه در شهرک سینا که در حومه شهر تهران، جاده قدیم کرج قرار دارد و از توابع اسلام شهر محسوب می شود، در شبانه روز فقط دوتا سه ساعت آب وجود دارد و مسئولین مربوطه علیرغم وعده های خود در ایام انتخابات اخیر برای حل مشکلات مردم این منطقه، به هیچ یک از آنها عمل نکرده اند. بنا به گزارش روزنامه رسالت، تظاهرات مردم زحمتکش این شهرک که بیش از شش ساعت بطول انجامید، سرانجام با مداخله نیروهای سرکوبگر و اعزام نیروهای بسیجی و وساطت برخی از اهالی محل پایان گرفت.

کارگران علّالدین اتوبان تهران - کرج را مسدود ساختند

صبح روز سه شنبه بیست و چهارم خردادماه،

هشتاد و هشتمین اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار

خواست بر خورداری زنان از وقت استراحت طولانی تری برای شیر دادن به نوزادان خود بخش دیگر این پیشنهاد بود.

در زمینه بهداشت و ایمنی محیط کار، کمیسیون مربوطه با ارائه گزارشی از آمار تکان دهنده سوانح در محل کار، خواستار تدابیر و اقدامات جدی در این زمینه شد. بنابراین گزارش، سالانه ۲۳۵۰۰ تن در رشته ساختمان سازی در اثر سانحه، کشته میشوند. همچنین ۳۲ میلیون کارگر کشاورزی از مجموع ۱/۳ میلیارد شاغلین بخش کشاورزی جهان سالانه مصدوم میشوند. از آنجا که اکثر این سوانح در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین رخ میدهند و از آن جا که دولتهای مذکور عمدتاً اعتنائی به مصوبات این اجلاس ندارند، کمیسیون فوق پیشنهاد واگذاری کمکهای مالی و تکنیکی به این کشورها را طرح کرد تا با برگزاری جلسات و دوره های آموزشی و بهبود تکنیک و موارد ایمنی، از دامنه حوادث ناشی از کار بکاهند. ایران یکی از این کشورهاست. کمالی یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی در اجلاس فوق، ضمن اشاره به " خلائی که در روابط فی ما بین ایران و ILO بوجود آمده، خواستار دریافت کلیه کمک های ممکن شد. لازم به ذکر است که در ایران سالانه ۱۰ هزار تن جان خود را در نتیجه بروز حوادث ناشی از کار از دست می دهند، یعنی روزانه ۲۷ تن. همچنین در هر روز ۴۱۶ حادثه در محیط کار در ایران رخ میدهد. ممنوعیت کار کودکان یکی دیگر از محورهای بحث در نشست سالانه سازمان بین المللی کار بود. گرچه ممنوعیت کار کودکان بر روی کاغذ از سوی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای شرکت کننده پذیرفته شده است، اما میلیونها کودک در سراسر جهان همچنان تحت سخت ترین شرایط به کار گمارده میشوند.

این واقعیت ها نشان میدهند که حتی رعایت و پیگیری مصوبات فوق در گرو مبارزه متشکل کارگران جهان است.

اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار (ILO) طی روزهای ۳۰ می تا ۱۵ ژوئن سال جاری در ژنو برگزار شد. در این نشست که قاعدتاً می باید نمایندگان دولتها، کارفرمایان و کارگران شرکت نمایند، معمولاً از نمایندگان واقعی کارگران خبری نیست. در بسیاری از کشورها از جمله ایران که حق تشکل صنفی و فعالیت اتحادیه ای موجود نیست، نمایندگان دولتها کرسی کارگران را نیز به خود اختصاص میدهند. از همینروست که نه ترکیب شرکت کنندگان واقعی است و نه موضع دولت ها در قبال مصوبات این اجلاس. چرا که تصمیمات متخذه در این اجلاس لازم الاجرا نیست و تنها در صورتی که کشوری رایی موافقی به تصمیمی دهد، موظف به اجرای آن است. مخالفت با هر تصمیمی، کشور مزبور را از رعایت آن معاف می کند تنها در معدودی از موارد، اجلاس با اتخاذ روش های تنبیهی، به برخی از موارد نقض حقوق کارگران در نقاط مختلف جهان اعتراض میکند.

کار اجباری و یا به عبارت دیگر "بیگاری" در ویانمار یکی از این موارد است. ظرف سال های گذشته بیگاری در این کشور بکرات مورد اعتراض مجامع حقوق بشر و کارگری بوده است. شرایط کار که با دوران بردگی تفاوتی ندارد، آنچنان دهشتناک است که در اجلاس اخیر، اکثر نمایندگان را واداشت، اقدامات شدیدتری را در دستور کار خود قرار دهند. لذا مقرر گردید که تا پایان نوامبر سال جاری، دولت این کشور، اقدامات جدی و قانونی جهت مبارزه با بیگاری را در دستور کار خود قرار دهد. در غیر این صورت اجلاس آتی و فوق العاده این سازمان، عضویت این کشور را به بحث خواهد گذارد.

سایر موضوعات مورد بحث، اصلاحاتی بر مصوبات پیشین بود. از جمله در زمینه حمایت از زنان شاغل باردار بود. در این اجلاس پیشنهاد مرخصی دوران بارداری برای زنان به مدت ۱۴ هفته (قبلاً ۱۲ هفته بود) عنوان شد. همچنین کارگران شرکت علّالدین در اعتراض به نحوه پرداخت حقوقها و برخی مسائل رفاهی دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض، سپس با حمل پلاکارهایی که بر روی آن از جمله نوشته شده بود "ما کارگران ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم" و "کارگران علّالدین را از چنگ تروریست های اقتصادی که باعث ورشکستگی شرکت شده اند نجات دهید" در محل شرکت واقع در کیلومتر ۸ اتوبان تهران - کرج تجمع کرده و اتوبان فوق را مسدود ساختند. بنا به گفته یکی از کارگران این شرکت، با انتقال شرکت از دولت به بخش خصوصی موجبات بیکاری ۳۱۰ نفر از کارگران شرکت را فراهم ساخته اند.

کارگران پوست و چرم، تهدید کردند که جاده ترانزیت را خواهند بست

بیش از هشت ماه است که کارخانه پوست و چرم لرستان به حالت تعطیل در آمده است که شمار زیادی از کارگران این واحد را اجباراً باز خرید کرده اند و هم اکنون ۵۰ کارگر دیگر این کارخانه بلامتکلیف اند. این کارگران که هرکدام لااقل ۲۳ سال سابقه کار دارند، از دیماه گذشته تا کنون هیچ گونه حقوق و مزایائی دریافت نکرده اند. تلاش های مکرر کارگران برای کسب

در صفحه ۱۳

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

کارگران مهاجر در اروپا

طی ماههای گذشته، کارگران مهاجر در کشور های اروپائی، به کرات مورد حمله وحشیانه نیروهای نژاد پرست و راسیست قرار گرفتند. این حملات در اوائل سال جاری در یونان و اسپانیا، دهها کشته و زخمی برجای گذاشت. همچنین دهها منزل مسکونی کارگران مهاجر به آتش کشیده شد. علاوه بر این حملات، دستگاه بوروکراسی، هر روز با ترفندها و وعده وعید، سعی در تشویق این کارگران به بازگشت به زادگاهشان را دارد. کارگران مهاجری که با فروش نیروی کار ارزان خود، در شکوفائی و بازسازی اقتصادی اروپا نقش بسزائی ایفا کرده‌اند، پس از نیم قرن، به بازگشت "دعوت" میشوند و نسل جوان آنها مورد حمله اوباش نژاد پرست قرار میگیرد.

* * * * *

گرچه جابجائی نیروی کار، سابقه طولانی در تاریخ و به ویژه در دوران سرمایه داری دارد، اما آنچه از آن بعنوان "کارگر مهاجر" نام برده میشود، مختص نیمه دوم قرن بیستم است. زمانی که ویرانی جنگ جهانی دوم، بازسازی اقتصادی را در دستور کار سرمایه داری قرار داده بود. پروسه بازسازی اقتصادی در اکثر کشورهای اروپائی از سال ۱۹۴۵ آغاز شد. در این دوره کشورهای انگلیس، سوئد، فرانسه، آلمان، هلند، سوئیس و بلژیک با دو مشکل روبرو بودند: نخست آن که نرخ رشد جمعیت در این کشورها در سطح نازلی قرار داشت و دوم آن که میانگین سنی مشارکت جمعیت فعال این کشورها، روبه افزایش بود. کارگران مهاجر برای پرکردن این خلأ وارد کشورهای فوق شدند.

از کارگران مهاجر از همان بدو امر، به عنوان "کارگر میهمان" نام برده میشد. ویژه گی‌های عمده این نیروی کار، ارزان بودن و غیر تخصصی بودن آن بود. کارگران مهاجر در کارهای سخت و توانفرسا به کار گمارده می شدند. طولانی ترین ساعات کار و کمترین دستمزدها را در مقایسه با کارگران کشورهای "میزبان" دریافت میکردند. این امر تا سالهای اواسط دهه ۶۰ به بروز تنش هائی میان اتحادیه های کارگری و کارگران مهاجر منجر شد. برخی از اتحادیه ها، حضور کارگران مهاجر را خطری علیه سطح دستمزدها و زندگی کارگران "میزبان" بشمار می آوردند. از همینرو بود که برخی از اتحادیه ها تا اواسط دهه ۶۰، از ممنوعیت و یا محدودیت ورود کارگران مهاجر دفاع میکردند. در اواخر دهه ۶۰ پروسه بازسازی اقتصادی در اروپا، ثمر داد. تولید در کشورهای سرمایه داری (اروپا و آمریکا) طی سالهای ۵۲ تا ۶۸

دو برابر شد. (به نقل از کتاب "فاجعه اقتصادی بریتانیا" - اثر اندرو گیل) رفاه اقتصادی چهره نمایانند. در همین ایام بود که دول اروپائی روز به روز بر محدودیت ورود نیروی کار افزودند. سوئیس اولین کشور اروپائی بود که در سال ۶۴، با تصویب قوانین جدید، از ورود کارگران مانع کرد. پس از آن نیز سایر کشورهای اروپائی با توافقات فی مابین، این پروسه را سد کردند. علاوه بر این، فشار هائی نیز به کارگران مهاجری که قریب به دو دهه در این کشورها کار کرده بودند، وارد آوردند. از جمله این که در صورت اخراج و یا پایان قرارداد، اجازه اقامت آنها باطل می شد. این فشارها به منظور وادار کردن کارگران مهاجر به ترک کشور بود. از همین رو در اواخر دهه ۶۰ و اوائل دهه ۷۰ بخشی از کارگران مهاجر، به زادگاه خود برگشتند ولی بخش کثیری ماندگار شدند و پس از سالها، سرانجام اجازه اقامت دائم و اجازه الحاق خانواده های خود را کسب کردند.

نیروی کار مهاجری که ماندگار شده بود، از آن پس با بهره برداری از ابتدائی ترین حقوق و مزایا، پروسه ادغام در نیروی کار کشور محل سکونت را هر چند بطئی و آرام و توأم با تبعیضات نژادی طی کرد. در موضع اتحادیه ها تعدیل حاصل گشت. از آن پس کسب حقوق و مزایای برابر در سرلوحه شعارها و مطالبات جنبش کارگری در کشورهای اروپائی قرار گرفت. کارگران مهاجر در کشورهای مختلف و به اقتضای شرایط اقتصادی، و رشته های مختلف تولید به کارگماشته شدند. آنها در کشاورزی، معادن و سپس در صنایع به کار مشغول شدند.

در انگلیس طی سالهای ۴۶ الی ۵۹ حدود ۳۵۰ هزار کارگر از ایرلند به انگلیس مهاجرت کردند که عمدتاً در کشاورزی به کار گرفته شدند. سومین منبع تامین نیروی کار ارزان، کشورهای سابقاً مستعمره انگلیس (پاکستان و هند) بودند. در سال های ۴۶ تا ۵۰ حدود ۲۰ هزار کارگر پاکستانی و هندی وارد انگلیس شدند. در سال ۵۱ بنا به آمار منتشره از سوی ادارات کار یابی انگلیس، ۱/۶ میلیون کارگر خارجی در این کشور اشتغال داشتند که عمدتاً در بخش کشاورزی به کار گرفته شده بودند.

در بلژیک، برای کار در معادن و صنایع فولاد این کشور، نخست به جذب نیروی کار در ایتالیا و اسپانیا اقدام شد. طی سالهای ۴۵ تا ۶۳ قریب به ۶۰ هزار کارگر ایتالیائی وارد بلژیک شده بود. پس از آن به ترتیب کارگران اسپانیائی مراکش و ترک عازم بلژیک شدند.

در فرانسه طبق محاسبات، "اداره مهاجرت ملی فرانسه" در سال ۶۹، ۲ میلیون کارگر مهاجر در

این کشور به سر می بردند که در کارهای غیر تخصصی ساختمانی، خدمات و کشاورزی اشتغال داشتند. نخستین گروه کارگران از پرتغال و اسپانیا و گروههای بعدی از مستعمرات سابق این کشور بویژه الجزایر بودند (به نقل از کتاب "آنها ماندگار هستند" نوشته استفان کاستل). در هلند، کارگران مهاجر ابتدا از مستعمرات سابق این کشور (اندونزی، سورینام) بودند. پس از آن کارگران از جنوب اروپا و ترکیه و مراکش جذب بازار کار شدند. در سال ۴۷، حدود ۱۰۴ هزار کارگر مهاجر به کار اشتغال داشتند که ۱/۱ درصد کل جمعیت هلند را تشکیل میدادند. در سال ۸۲، تعداد کارگران مهاجر به ۵۴۴ هزار افزایش یافت که این رقم ۳/۸ درصد کل جمعیت این کشور بود. کارگران مهاجر در هلند عمدتاً در کشاورزی و بخش غیر تخصصی کارخانجات فیلیپس و هواپیما سازی اشتغال داشتند.

در سوئیس که پیش از سایر کشورها محدودیت های قانونی بر سر راه ورود کارگران مهاجر قرار داده بود، کارگران مهاجر با سرعت و شتاب بیشتری وارد شدند. در سال ۴۵ الی ۴۷ تعداد کارگران مهاجر ۵۰ هزارتن بود. در سال ۵۰، این تعداد به ۹۰ هزار و در سال ۶۴ به هشت برابر رسید یعنی ۷۲۱ هزارتن. این پروسه ادامه یافت تا این که در سال ۷۲، یک سوم کارگران شاغل این کشور را کارگران مهاجر تشکیل می دادند. آلمان ورود کارگران مهاجر را در سال ۴۸ آغاز کرد. این امر دو دلیل داشت: اولاً بازسازی در این کشور دیرتر از سایر نقاط اروپا آغاز شد و ثانیاً این که آلمان در مقایسه با سایر کشورهای اروپا، نیروی ذخیره کار بیشتری داشت. آلمان همچنین جذب نیروی کار ارزان کارگران مهاجر را سیستماتیک تر از سایر کشورهای انجام داد. این امر را آلمان مدیون تجربه بیگاری کشاندن در دوران نازیسم بود. آلمان با تاسیس دوائر ویژه به جستجوی نیروی کار ارزان، منظم و نیمه متخصص پرداخت. کارگر مهاجری که متقاضی عزیمت به آلمان بود پس از یک آزمایش تکنیکی و انجام معاینه پزشکی به آلمان وارد میشد. کارگران مهاجر شاغل در آلمان از ایتالیا، یوگسلاوی، ترکیه، یونان و مراکش بودند. طی سالهای ۵۶ الی ۶۱، تعداد کارگران مهاجر از ۹۵ هزار به ۵۰۷ هزار بالغ گشته بود. در سال های ۶۶ این رقم به ۱/۳ میلیون افزایش یافت.

بحران اقتصادی سالهای ۶۷ - ۶۶ این پروسه را تغییر داد و آمار کارگران مهاجر در آلمان به ۹۰۴ هزار کاهش یافت. در همین مقطع، پروسه مشابهی در سایر کشورهای اروپائی به چشم می خورد. این امر موجب گردید که اقلیتی از مجموع کارگران مهاجر به زادگاه خود برگردند. اما اکثریت آنها در کشورهای کار بیش از دوده تحت سخت ترین شرایط کار

اخبار کارگری جهان

اعتصاب عمومی در آرژانتین

روز ۲ یونی میلیونها تن از کارگران و زحمت‌کشان در آرژانتین در اعتراض به حذف سوبسید از کالاهای اساسی، دست از کار کشیدند. با تعطیل کارخانه‌ها، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و بانک‌ها، اعتصاب عمومی سراسر کشور را فراگرفت. دولت آرژانتین بنا بر سیاستهای دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول، سوبسید دولتی را حذف کرده است.

اعتصاب عمومی

نیجریه را نیز فرا گرفت

روز ۹ یونی برای دومین روز متوالی، به دعوت کنگره اتحادیه کارنیجریه (NLC) میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان در اعتراض به افزایش بهای سوخت دست از کار کشیدند و در شهرهای مختلف دست به راه پیمائی زدند.

نیجریه با اینکه یکی از بزرگترین تولیدکننده‌های نفت جهان است، با حذف سوبسید دولت بر سوخت، بهای آن را ۵۰ درصد افزایش داد. این امر آنچنان خشم توده‌های مردم را برانگیخت که ظرف مدت کوتاهی به اعتصابات گسترده منجر شد. بنا برخواست صندوق بین‌المللی پول، نیجریه با حذف سوبسید از سوخت، سالانه ۲ میلیارد دلار "صرفه جوئی" میکند.

جنبش دانشجویی ۱۸ تیرماه و جایگاه آن

تحقق این مطالبات با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی گره خورده است. ۱۸ تیر اعلام علنی و آشکار این مسئله بود که توده مردم ایران سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. وقتی دانشجویان فریاد زدند "بیست سال سکوت تمام شد" و "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید"، هزاران تن از مردم به صفوف آنان پیوستند و همصدا شعارهای مبارزه برای پایان جمهوری اسلامی را سردادند. جنبش ۱۸ تیر به عنوان نقطه‌ای برجسته در جنبش توده‌های کارگر و زحمتکش ایران و فرزندان آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی در تاریخ ایران ثبت خواهد شد. خاطره جانباختگان این جنبش در هر حرکت اعتراضی و تظاهراتی که با آرمان دفاع از آزادی و یک زندگی انسانی برپا میشود، دوباره زنده می‌شود و مقاومت و مبارزه دانشجویان و سایر دستگیرشدگان این جنبش، گرما بخش جان هزاران جوانی است که علیه سرکوب و اختناق و استثمار، علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند.

کارگران مهاجر در اروپا

نبودیم. کارگران هلندی نیز همیشه دورهم می‌نشستند و تمایلی برای گپ زدن با ما نداشتند. ما با ایمل و اشاره با کارگران اسپانیایی و ایتالیایی صحبت می‌کردیم. ۲۵ سال به همین ترتیب گذشت. نه کلاسی و نه دوره آموزشی، هیچگونه امکان دیگری برای ما نبود که زبانی یاد بگیریم و یا مهارتمان را ارتقا دهیم. تنها در این دوره موفق شدم پس از ۷ سال کار، زن و یک فرزندم که ۸ ساله بود را ببینم و ترتیب اقامت آنها را در هلند بدهم. هم اکنون دو فرزند دارم یکی مهندس است و دیگری در حال تحصیل است. خودم و همسرم از ۱۶ سال پیش در آمستردام زندگی می‌کنیم. سال‌های سختی را گذرانیدیم. نه زبانی بلد بودیم که اعتراض کنیم، نه اتحادیه‌ای بود که مارا حمایت کند و نه تماس زنده‌ای با همکاران داشتیم که از درد دل و درد مشترکمان بگوئیم.

من خود شاهد زنده پیشرفت و توسعه اقتصادی هلندم. زمانی که ما آمدیم شهر آمستردام نصف آمستردام کنونی بود. منطقه‌ای که من امروزه در آن زندگی میکنم بیابان بود. فقر در هلند بیداد میکرد، غذای مردم بخور و نمیر بود. حمام امروزه وجود نداشت، چاه توالت‌ها هر دو هفته یک بار تخلیه میشد. قد و وزن هلندیها کمتر از امروز بود چون نه بهداشت خوبی موجود بود و نه تغذیه مناسبی. امروز پس از آن روزها به خاطر کار شاق و طاقت فرسائی که کارگران از جمله ما کارگران مهاجر انجام داده‌ایم، فقر جای خود را به ثروت داده است. نسلی که طی دو سه دهه اخیر رشد کرده‌اند، بلندترین قدر در دنیا دارا هستند.

اما باز ما به عنوان کارگران مهاجر هنوز در پائین‌ترین سطح جامعه قرار داریم. در غرب آمستردام، منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم ۹۰ درصد جمعیت خارجی است. انگار جزیره‌ای است که از سایر جاها جدا شده است. وسایل رفت و آمد عمومی در مقایسه با سایر نقاط شهر کیفیت پائین‌تری دارند. شهرداری برای توسعه مناطق مسکونی کمتر از سایر نقاط بودجه اختصاص می‌دهد. اگر من شهردار آمستردام بودم اولاً لزجاً کردن خارجی و هلندی جلوگیری میکردم و نمیگذاشتم مناطق مسکونی به سیاه و سفید تقسیم شوند. دوما وضعیت وسایل رفت و آمد عمومی را تغییر می‌دادم. تعداد ترام‌ها و اتوبوسها را بیشتر می‌کردم. سوماً در منطقه‌ای مثل غرب آمستردام پارک و محل تفریحی برای بچه‌ها ایجاد میکردم. این سالها که در بازنشستگی بسر می‌برم فکر میکنم ایده‌های زیادی برای بهبود شهر دارم، چون آمستردام جائی است که به زندگی ادامه میدهم. به نظم بهتر است به لحاظ اداری هم که شده اسم ما را تغییر دهند و واژه میهمان را از آن حذف کنند. من امروز آمستردامی هستم."

کرده بودند، ماندگار شدند. و همدوش همقطاران خود، به مبارزه مشترک علیه استثمار برخاستد.

سرگذشت زندگی یک کارگر مهاجر ترک در هلند از زبان خودش

"در یکی از دهات اطراف استانبول زندگی می‌کردم. برای کار به شهرهای اطراف میرفتم، اما کار ثابت و دائم نداشتم. در ترکیه جز کارگران فصلی بودم. با این نوع کار نمی‌توانستم خرج خود و همسرم را تامین کنم. اوایل دهه ۶۰ در ترکیه آژانس‌های براه‌افتادند که در جستجوی نیروی کار بودند. از خیلی‌ها شنیده بودم که از طریق ثبت نام در این آژانس‌ها، می‌توانم به آلمان یا هلند بروم و ظرف چند سال سرمایه‌ای جمع کنم و به ترکیه برگردم. این مسئله مدتها مرا به خود مشغول کرده بود. از همین‌رو به یکی از این دفاتر مراجعه کردم. ابتدا اطلاعاتی راجع به تخصص و مهارتم از من گرفتند. یک آزمایش فنی هم کردند تا ببینند آیا واقعا مهارتی دارم یا خیر. از این آزمایش سربلند بیرون آمدم و در لیست انتظار قرار گرفتم. آژانس مسافرتی سپس به توضیح شرایط کار و زندگی در هلند پرداخت. بروشوری به من داد که در آن عکس‌های رنگی از محل زندگی مان به چشم می‌خورد: اتاق مبله و دوش و توالت شخصی. همچنین گفته شده بود که هر روزه با سرویس به محل کار برده می‌شویم و بعد از ظهر برگردانده می‌شویم. خیالم از این بابت راحت شد.

چند هفته‌ای طول نکشید که اعلام کردند کار-هایم آماده است و باید عازم هلند شوم. پس از چند روز همراه یک گروه ۷۰ نفره سوار هواپیما شدیم و راهی آمستردام گشتیم. در فرودگاه یک هیئت ۷ - ۸ نفره از طرف کار-خانه‌ها و مراکزی که ما به استخدام آنها در آمده بودیم، به استقبال ما آمدند و به هر کدام از ما یک دسته گل و یک جعبه شکلات هدیه دادند و سپس من با اتفاق ۳ نفر دیگر با اتوبوس به محل سکونت مان منتقل شدیم. این خواب-گاهی بود با حداقل امکانات بهداشتی و به کارگران کارخانه هواپیماسازی Fokker تعلق داشت، در محلی در وسط بیابان و در نزدیکی Eindhoven بود. در هر اتاق ۸ تخت خواب قرار داشت و حتی جائی برای آویزان کردن لباس و وسایل خود نداشتیم. هر ۲۰ نفر یک توالت داشتند. تخلیه توالت نیز به عهده خود ما بود. از همان آغاز ورود، تمام وعده‌ها و قولهایی که به ما داده بودند نقش بر آب شده بود. در خوابگاه به جز ما که از ترکیه آمده بودیم، کارگران اسپانیایی و ایتالیایی هم بودند. هر روز صبح ساعت ۵ راهی محل کار میشدیم و ساعت ۷ بعد از ظهر برمی‌گشتیم. هیچگونه ارتباطی با همکاران نداشتیم زیرا زبان بلد

وضعیت سیاسی و گروه‌بندی‌های چپ در مکزیک

در منطقه Chiapas جلب شد. یکی از معضلاتی که EZLN با آن روبروست، عدم برنامه ریزی جهت حفظ نیروی کار است. این امر بکرات در ارزیابی‌های درونی موردانتقاد قرار گرفته است. ناتوانی در سازماندهی نیروهائی که به EZLN گرویده‌اند، موجب شده است که طی ۲-۳ سال گذشته بسیاری از اعضا و هواداران این جریان به سایر سازمانها و گروهها گرایش پیدا کنند. این جبهه در آستانه انشعابی است که تعیین زمان آن مشکل است. دو گرایش اصلی در این جبهه هست: ۱- تقویت خط مذاکره با دولت مرکزی تا انجام یک سری رفرم ۲- گرایش رادیکال که عملاً خواهان تحولات رادیکال است. در حالیکه گرایش اول همواره در پی فراهم کردن مقدمات مذاکره و تماس از بالاست، گرایش دوم از مبارزات کارگران و دهقانان حمایت می‌کند. در این میان EZLN از یک امر غافل مانده است و آن این است که در صورت پیروزی در انتخابات سال ۲۰۰۰، حزب حاکم که مقدمات سرکوب گسترده‌ای را تدارک دیده، بشدت وارد عمل می‌شود و قادر است با استفاده از نقاط ضعف EZLN، ضربات جدی به آنها وارد آورد. برنامه EZLN فاقد مضمون سوسیالیستی است. آنچه آنها در برنامه خود گنجانده‌اند، انجام یک سری تحولات دمکراتیک، آنهم در محدوده مسئله ملی است. EZLN تا کنون متاسفانه قادر به بسط مطالبات خود نبوده است و این امر وضعیت این جریان را بسیار شکننده و حساس می‌کند.

۳- سایر نیروهای مسلح:

علاوه بر EZLN چندین گروه سیاسی که به مبارزات مسلحانه اقدام می‌کنند، وجود دارند. این گروهها عمدتاً در مناطق جنوبی مکزیک مستقرند. در مقایسه با EZLN پایگاه بسیار محدودی دارند. نقطه تمایز آنها با EZLN، توجه و اذعان آنها به اهمیت سازماندهی توده‌ای است. گرچه این گروهها خود در عمل فاقد توان و امکانات لازم برای تحقق این امرند، اما به لحاظ خط مشی سیاسی، به ضرورت این نکته پی برده‌اند.

۴- اتحادیه‌های کارگری:

در مکزیک دو اتحادیه رسمی وجود دارد که هر دو در مجموع اتحادیه‌های زرد هستند. در مکزیک، فدراسیون اتحادیه‌ها که دربرگیرنده شعبات و شاخه‌های مختلف صنفی باشند، ندارند. این اتحادیه‌ها به دلیل عملکرد و سیاست‌های خود آنچنان پایگاهی ندارند. گرچه هزاران تن عضو این اتحادیه‌ها هستند، اما این عضویت اولاً صوری و فرمالیته است و دوماً بسیار کوتاه مدت. طبق تحقیق یکی از موسسات مستقل آمار، میانگین عضویت کارگران در این دو اتحادیه، ۲ سال است.

طی سالهای اخیر شاهد گرایش در میان کارگران رشته‌های مختلف هستیم که در شهرها و مناطق مختلف در محیط‌های کار، تجمعات متعددی تشکیل

سیاسی‌ائی است که یکی از متمولترین خانواده‌های مکزیک در برابر حزب حاکم، در دست دارد.

۵ سال پیش حزبی پا به میدان گذارد که نام "حزب کارگر" را بر خود نهاد. بلحاظ برنامه‌ای میتوان آن را جناح چپ حزب حاکم قلمداد کرد. گرچه بانیان و گردانندگان اصلی این حزب، سردمداران بورژوازی هستند اما بخشی از پایگاه آن راقشارمییانی جامعه تشکیل میدهند که به اوضاع فعلی معترض اند. لازم به ذکر است که این حزب منابع مالی و امکانات لازم جهت فعالیت سیاسی و تبلیغاتی را از حزب حاکم دریافت می‌کند.

بر بستر اوضاع سیاسی - اقتصادی جامعه مکزیک، نیروهای چپ بالقوه پایگاه وسیعی در میان کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی دارند. پراکندگی نیروهای چپ تاکنون مانع از سازماندهی این اقشار بوده است. شایان ذکر است که از اوآخرده ۸۰ تا کنون، چپ، متناسب با توان و امکانات خود گام‌های موثری در این راستا برداشته است.

۱- حزب انقلابی مکزیک (PRD):

این حزب از انشقاقات حزب حاکم مکزیک است و در سال ۸۹ تاسیس شد. این حزب، پارلماندار - یست است و در برنامه خود مطالبات دمکراتیک را طرح میکند. این حزب هیچگاه به‌کار در میان کارگران و سازماندهی آنها اقدام نکرده است. بسیاری از شاخه‌های این حزب در شهرهای مختلف، بویژه در مناطق صنعتی، از سیاست‌های رسمی حزب در زمینه ماماشات با حکومت سرپچی می‌کنند و برغم توصیه‌های حزب، دست به اعتصاب می‌زنند. تعداد اعضا آن را ۱۰۰ هزار نفر ذکر می‌کنند. این حزب ۲۰۰ نماینده در پارلمان و صدها نماینده در شهرداری‌ها دارد.

۲- جبهه آزادیبخش زاپاتیستها (EZLN):

فعالیت اولیه زاپاتیستها به دهه ۷۰ قرن گذشته بر می‌گردد. در آن زمان عده‌ای از فعالین سیاسی با گرایشات مائوئیستی به فعالیت در روستاهای مناطق جنوبی مکزیک - محل سکونت بومیان - روی آوردند. طی بیش از ۲۰ سال فعالیت، حمایت دهها هزار نیروی بومی به آرمان‌ها و ایده‌های فعالین سیاسی جلب شد.

در سال ۹۲ جبهه آزادی بخش زاپاتیست‌ها در اعتراض به خانه‌خوابی دهقانان، فراخوان یک راهپیمائی داد که در آن بیش از ۹۰ هزار دهقان شرکت کردند. در این مقطع EZLN به لحاظ تاثیر گذاری و پایگاه توده‌ای در موقعیتی قرار گرفت که خواست مذاکره با حاکمیت را طرح نمود. اما دولت مرکزی به این خواست بهائی نداد. این امر موجب شد که در ژانویه ۹۴، جبهه آزادیبخش زاپاتیستها به انجام یکسری عملیات نظامی دست بزند و متعاقباً در سطح بین‌المللی طرح شد و مورد حمایت قرار گرفت. در آن هنگام بود که توجه جهانیان به نقض حقوق بومیان

متن زیر برگرفته از مطلبی است که Phil Harse در فصلنامه Links پیرامون اوضاع اقتصادی - سیاسی جامعه مکزیک به تحریر آورده است. گروه‌بندیهای سیاسی بویژه وضعیت نیروهای چپ یکی از بخش‌های اصلی این نوشته است. درج این مطلب جهت آشنائی خوانندگان نشریه "کار" است و الزاماً به معنای تأیید مواضع مطروحه نیست.

* * * * *

الف - شرایط اقتصادی:

جامعه مکزیک با بحران عمیقی روبروست و هر روز برداشته آن افزوده می‌شود. فقر و فلاکت هرروزه تعداد بیشتری را به کام خود می‌کشد. ۲۰ درصد از جمعیت که روزانه تا ۱۴ ساعت تحت سخت‌ترین شرایط کار میکنند، در آمدی معادل یک دلار و ۶۰ درصد جمعیت در آمدی معادل ۲ دلار دریافت می‌کنند. بیش از ۵۰ درصد جمعیت از سو تغذیه رنج می‌برند. طی دو دهه اخیر سیاستهای اقتصادی موسوم به "نئولیبرالیسم" به حذف سوبسید از کالاهای اساسی، از بین رفتن حداقل تامین اجتماعی و بیمه درمانی منجر شده و برفقرو بیکاری افزوده است. سطح زندگی کارگران و زحمت‌کشان شهری و روستائی آنچنان تنزل یافته است که در ۱۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. روند خصوصی سازی صنایع، به اخراج کارگران، افزایش بیکاری و نزول هرچه بیشتر سطح زندگی کارگران شاغل انجامیده است. پیمان تجاری "نفتا" که بین کشورهای مکزیک، آمریکا و کانادا به مورد اجرا در آمده است، نیروی کار ارزان کارگران مکزیک را به حراج گذارده و استثمار را تشدید کرده است. وضعیت دهقانان به مراتب اسفبار تر است. در حال حاضر ۲۵ درصد جمعیت مکزیک در روستاها زندگی میکنند و غالباً فاقد زمین اند. از سال ۱۹۲۰ که رفرم ارضی به خانه‌خوابی دهقانان منجر شد، همواره دهقانان فاقد زمین، در جستجوی کار، راهی شهرها شده و حاشیه نشینان شهری را تشکیل داده‌اند.

ب- گروه‌بندی‌های سیاسی:

علاوه بر بحران اقتصادی، رژیم حاکم برمکزیک با بحران سیاسی عمیقی دست به گریبان است. این بحران نتیجه حاکمیت ۷۰ ساله "حزب بنیاد انقلابی" (PRI) است که حتی امکان فعالیت از سایر احزاب بورژوائی را سلب کرده است. از همپنروست که جناح‌های مختلف بورژوازی برای فعال بودن در عرصه سیاسی، سازمانها و گروههای "غیر دولتی" را علم می‌کنند. مثلاً حزب سبزها در زمره این تلاشهاست. این حزب توسط یکی از سرمایه داران بزرگ مکزیک تاسیس شده است. در برنامه این حزب حتی به خطری که محیط زیست مکزیک را تهدید میکند، اشاره ای نشده است. این حزب صرفاً ابزار

اخباری از ایران

حق و حقوق خود تا کنون به جایی نرسیده است. یکی از کارگران این کارخانه می‌گوید " با پیگیری و مراجعات فراوان به مسئولان وبی نتیجه ماندن این پیگیریها ، به کلیه مسئولین اعلام کرده ایم که جاده ترانزیت تهران _ اهواز را مسدود خواهیم کرد"

دو هزار و پانصد کارگر در معرض اخراج قرار دارند

مدیر کل کار و امور اجتماعی کرمانشاه ضمن ابراز نگرانی از وضعیت نابسامان واحدهای تولیدی این استان گفت ، اگر مشکلات کارخانه پشم بافی کشمیر ، شباب غرب، مومبائی غرب، نساجی غرب ، کشت و صنعت و مجتمع دام پروری قدس، روغن گریس باختر و گونی بافی بیستون بر طرف نگردد ، امنیت شغلی هزاران کارگر به مخاطره خواهد افتاد . بنا به اعتراف وی، هم اکنون ۱۳۰ کارگر پشمبافی کشمیر بلا تکلیف اند، ۳۰۰ کارگر نساجی غرب در معرض بیکاری اند و دهها کارگرفرش بیستون نیز اخراج شده اند . در مجموع ۲۵۰۰ کارگر در این واحد هادر معرض اخراج و بیکاری قرار دارند.

بلا تکلیفی کارگران کارخانه های ساری

دبیر اجرائی خانه کارگرساری فاش ساخت که کارگران چهار کارخانه درساری، ماههاست که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند . کارگران تخته سه لای شهید رجائی ، کارگران صنایع فلزی ، سیمرغ شمال و پاک پاک ساری چندین ماه است بدون دریافت دستمزد کار می کنند و نگران آینده شغلی خود میباشند. علیرغم پیگیری کارگران برای حل و فصل مشکلات این واحدها، از سوی مسئولین مربوطه هیچگونه اقدامی به منظور پاسخگویی به خواست کارگران به عمل نیامده است و این کارخانه ها هم اکنون در معرض تعطیلی قرار گرفته اند.

تجمع اعتراضی کارکنان در مقابل شهرداری تهران

بیش از یکصد تن از کارکنان سازمان فرهنگی _ هنری شهرداری ، روز نهم خرداد با تجمع در برابر ساختمان مرکزی شهرداری تهران، نسبت به عدم پرداخت حقوق خود طی ماه های فروردین و اردیبهشت اعتراض کردند. در این تجمع اعتراضی که تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادامه یافت ، تجمع کنندگان خواستار پرداخت حقوقهای خود شدند.

وضعیت سیاسی و . . .

داده اند. این تجمعات گرچه فاقد ارتباط با یکدیگرند اما زمینه های ارتقا به شکل عالی تر را دارند. آنچه در این میان غالب است، نقش رابطی است که فعالین چپ انقلابی می توانند ایفا کنند.

چ_ جمع بندی: معضلات چپ در مکزیک

یکی از معضلات چپ مکزیک ، فقدان ارزیابی همه جانبه از شرایط سیاسی _ اقتصادی مکزیک است . از همین روست که اختلاف اساسی میان نیروهای چپ ظهور میکند. یکی از مسائل مورد اختلاف ، چگونگی برخورد به حاکمیت است. برخی از نیروهای چپ ، انجام برخی تحولات را در چارچوب سیستم موجود ممکن میدانند در حالی که ساختار موجود مانع این امر است. طی دهه های گذشته به کرات این امر اثبات شده که بورژوازی ملی رسالتی ندارد. از همین رو حمایت از این جناح بورژوازی ، نمی تواند پاسخگوی بحران موجود باشد.

معضل دیگر برخی از نیروهای چپ، عدم تمایز بین دمکراسی پارلمانی و دمکراسی واقعی است. پارلمانتاریسم در بهترین و ایده آل ترین حالت نیز قادر نیست مطالباتی فراتر از محدوده های بورژوائی را متحقق نماید.

مجموعه معضلات فوق موجب میگردد که نقش و رسالت تاریخی طبقه کارگر به فراموشی سپرده شود . با این که این طبقه بیشترین ضربات و صدمات را از بحران سیاسی و اقتصادی متحمل میگردد ، کمترین بهای به این طبقه داده میشود. سازماندهی این طبقه یا به فراموشی سپرده میشود یا کم رنگ می گردد. چپ انقلابی به جای عمده کردن سازمان ها ، گروهها و تشکل های دمکراتیک که عمدتاً در پی کسب مطالباتی در چارچوب نظام موجودند، باید به سرمایه گذاری روی طبقه کارگر بپردازد. برگ برنده در دست طبقه کارگر است.

پاسخ به سؤالات

هائی است که تصور می کنند انقلاب ایران در همان گام نخست یک انقلاب سوسیالیستی است. معهداً برغم این اختلافات، کسی که بر سر مرحله انقلاب با سازمان ما اختلاف نظر داشته باشد و انقلاب سوسیالیستی را وظیفه میرم و فوری طبقه کارگر بداند، چنانچه برنامه سازمان ما را بپذیرد و برای تحقق آن نیز مبارزه بکند ، میتواند به عضویت سازمان در آید. این اختلاف مثل بسیاری از اختلافات دیگر

دنیای رؤیای من

من در رؤیای خود

دنیائی را می بینم که در آن

هیچ انسانی انسان

دیگر را خوار نمی شمارد

زمین از عشق و دوستی سرشار است

و صلح و آرامش، گذرگاههایش را می آراید

من در رویای خود

دنیائی را می بینم که در آن

همگان راه گرامی آزادی را می شناسند

حسد جان را نمی گزد

و طمع روزگار را بر ما سیاه نمی کند

من در رویای خود

دنیائی را می بینم که در آن

سیاه یا سفید

از هر نژادی که هستی

از نعمت های گستره زمین سهم میبرد

هر انسانی آزاد است

شوربختی از شرم سربه زیر می افکند

و شادی همچون مرواریدی گران قیمت

نیازهای تمامی بشریت را بر می آورد

چنین است دنیای رویای من !

((لنگستن هیوز))

می تواند در درون یک تشکیلات کمونیستی وجود داشته باشد. در کنفرانس هفتم سازمان که چند ماه پیش برگزار شد ، مسئله حدود اختلاف برسر مرحله انقلاب نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر کنفرانس هم بر این بود که هرکس برنامه سازمان را می پذیرد و برای تحقق آن مبارزه می کند ولو این که برسر مرحله انقلاب با نظر رسمی سازمان اختلاف نظر داشته باشد و انقلاب سوسیالیستی را وظیفه میرم و فوری بداند ، می تواند به عضویت سازمان در آید.

زنده باد سوسیالیسم

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان در یک ماه گذشته

در تاریخ ۱۸ خرداد ماه در جریان اعتراض و تظاهرات مردم مشهد اطلاعیه ای با عنوان «توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد» انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که مردم مشهد هنگامی که واعظ طیبی قصد سخنرانی و خوش آمدگویی به خاتمی را داشت، مانع سخنرانی وی شدند. این اعتراضات در پی مداخله پلیس به تظاهرات در خیابانهای مشهد منجر شد. مردم شعار میدادند توپ، تانک مسلسل، بسجی دیگر اثر ندارد» «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه» «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» اطلاعیه ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان گردید.

در پی تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آدامس خروس نشان، اطلاعیه ای به تاریخ ۲۴ خرداد منتشر شد. بخشی از این اطلاعیه به قرار زیر است. «متجاوز از صدتن از کارگران شرکت آدامس سازی خروس نشان روز گذشته در مقابل وزارت کار اجتماع نمودند و اعتراض خود را به تعطیل کارخانه و عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران در سه ماه گذشته ابراز داشتند.» اطلاعیه خواهان بی اعتمادی کارگران به وعده های مقامات و اتحاد و تشدید مبارزه کارگران شده بود.

در اول تیرماه اطلاعیه ای با عنوان «اعتصاب و تظاهرات کارگران کفش ملی انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که چندین هزارتن از کارگران گروه صنعتی کفش ملی امروز دست از کار کشیدند و با تجمع در مقابل کارخانه و مسدود کردن جاده قدیم کرج اعتراض خود را نسبت به اجحافات سرمایه داران و دولت آنها ابراز داشتند. کارگران کفش ملی از اواخر سال گذشته حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و علاوه بر این چندین ماه است حق بیمه کارگران پرداخت نشده است. سازمان در این اطلاعیه خواهان پرداخت فوری حقوق معوقه کارگران و دیگر مطالبات آنها شد.

اطلاعیه ۷ تیر خبر تظاهرات زنان و مردان شهرک شاتره را اعلام نمود. در این اطلاعیه آمده است که جمعیت بسیار کثیری از ساکنین شهرک شاتره که اکثریت آنها را زنان زحمتکش تشکیل میدادند، امروز در اعتراض به فقر و محرومیت از حداقل امکانات معیشتی و بهداشتی دست به تظاهرات زدند. آنها با تجمع در جاده تهران - ساوه و سنگر بندی جاده را بستند.

به مناسبت سالروز جنبش دانشجویی تیرماه ۱۳۷۸، اطلاعیه ای در تاریخ ۱۳ تیرماه انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که این جنبش اوج نفرت و انزجار دانشجویان را از رژیم جمهوری اسلامی در همه جا به نمایش گذاشت. شعارهای دانشجویان علیه تمامیت رژیم بود. جنبش دانشجویان تیرماه نه تنها روحیه رزمندگی و ضد رژیمی اکثریت بسیار عظیمی از دانشجویان را نشان داد بلکه ماهیت ارتجاعی خاتمی و همه گروههای دوم خردادی را که در برابر شعارهای آزادیخواهانه دانشجویان به سرکوب متوسل شدند، برهمگان آشکار ساخت. در پایان اطلاعیه نتیجه گیری شده است که جنبش دانشجویی باید پیوند خود را با جنبش کارگران و زحمتکشان مستحکم سازد.

۱۵ تیرماه اطلاعیه ای تحت عنوان «اعتصاب و تظاهرات در پیرانشهر و آبادان» انتشار یافت در این اطلاعیه گفته شده است که مردم پیرانشهر دو روز است که در اعتراض به قتل یک جوان توسط نیروهای سرکوب رژیم به اعتصاب و تظاهرات متوسل شده اند، سه تن زخمی و دهها تن بازداشت شده اند. مردم آبادان نیز در اعتراض به فقدان آب و برق دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به درگیری با نیروهای سرکوب انجامید. مردم خشمگین موسسات دولتی را مورد حمله قرار دادند.

فراخوان به تظاهرات

تشکیلات خارج کشور سازمان در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ با صدور اطلاعیه ای از ایرانیان خارج از کشور دعوت نمود تا در اعتراض به سفر خاتمی به آلمان دست به تظاهرات بزنند.

فراخوان با اشاره به گسترش اعتراضات کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و زنان در ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی این دعوت دولت آلمان را از خاتمی محکوم نموده و خاطر نشان میسازد که دولت آلمان همانند سایر دولتهای غربی با دادن وام های کلان به جمهوری اسلامی و تقویت موقعیت سیاسی آن، در تلاش است که این رژیم را تقویت کند.

فراخوان تشکیلات خارج کشور سازمان از فعالان و هواداران سازمان، نیروهای چپ انقلابی، دمکرات و آزادیخواه، خواست که در تظاهرات علیه خاتمی فعالانه شرکت کنند و به نقض حقوق انسانی در ایران به دولت آلمان اعتراض نمایند. همچنین در این فراخوان خواسته شده است که در کشورهای دیگر نیز در برابر سفارتخانه های آلمان تظاهرات برگزار شود.

ارزیابی از وضعیت زنان در جهان (۵ سال بعد از کنفرانس چین)

و مدافع "نسبیت فرهنگی" اند، از آن یکه خورده و علی الحساب از باج دادن به آنها خودداری نمودند. البته همانگونه که در بالا اشاره شد، توافقات حاصله در این کنفرانسها اصولاً لازم - الاجرا نیست، لذا درگیری کشورهای شرکت کننده با حکومت‌های مذهبی در چارچوب مانور های سیاسی فی مابین معنا می یابد. همانگونه که تجارب تاریخی به اثبات رسانده اند، دستاوردهائی که زنان طی قرن‌ها کسب کرده‌اند همواره حاصل مبارزه پیگیر و بی‌امان آنها بوده است. پاسداری از این دستاوردها و وضعیت زنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز مستلزم مبارزه علیه نابرابریها و ستم و استثمار است.

تحقیقات سازمان ها و موسسات بهداشتی و حقوق بشر، طی سالهای گذشته در غرب آفریقا افزایش نیز داشته‌اند. وجود قوانین زن ستیز در کشورهای اسلامی، حقوق پایهای زنان را نقض میکند. در صورتی که پیشرفتهای جزئی نیز در وضعیت اجتماعی - سیاسی زنان حاصل نشده است، دسته جات و حکومت های مذهبی آشکارا به حملات خود به دستاوردهای مبارزاتی زنان جهان شدت می بخشند. از همینرو حتی توافق صوری حول قطعنامه پایانی در کنفرانس نیو - یورک یکی از موضوعات جنجال برانگیز بود. موضع طرفداران ارتجاع مذهبی آنچنان تهاجمی بود که نمایندگان کشورهای غربی که خود حامی

کنفرانس زنان سازمان ملل طی روزهای ۵ الی ۹ ژوئن سال جاری در نیویورک برگزار شد و به بررسی چگونگی پیشبرد مصوبات کنفرانس پکن و دستاوردهای آن پرداخت. چهارمین کنفرانس جهانی زنان که در سال ۹۵ در چین بر گزار شد، مقرر نمود ظرف پنج سال، چگونگی احقاق حقوق زنان را مورد ارزیابی قرار دهد. این درحالی است که مصوبات این کنفرانس و اجلاس مشابه، لازم الاجرا نبوده و کشورهای شرکت کننده هر یک با تعابیر و تفاسیر خود در آن حضور یافته بودند. از همین رو در عرصه سیاسی، یکی از موانع اصلی بر سر راه اصلاحات و مطالبات درخواستی کنفرانس چین، وجود حکومت‌های مذهبی و رشد گرایش‌های ارتجاعی بود. اسلام و مسیحیت پیمان شوم خود علیه زنان را تحکیم بخشیدند. با سلاح نسبیت فرهنگی وارد میدان شدند و به دفاع از توحش و بربریت پرداختند و به حمله وحشیانه و آشکار به دستاوردهای زنان روی آوردند. در عرصه اقتصادی نیز فقر و فلاکت و استثمار مانع از تحقق تغییرات نسبی در وضعیت زنان بوده است. کمیسیون های متعدد سازمان ملل در ارزیابی از روند پیشرفت اوضاع طی پنج سال گذشته، از وجود "پیشرفت" های میلیمتری سخن میگویند. در زمینه تحصیلات، بهداشت و کارنه تنها تغییرات محسوسی حاصل نشده که در برخی موارد پسرفت هم داشته است. این گزارش حاکی از وضعیت شکننده و حساس زنان در جهان است. زنان دوسوم مجموع بیسوادان جهان را تشکیل می دهند. طبق برآورد کارشناسان سازمان ملل این نرخ ظرف ۲۰ سال آینده تغییری نخواهد کرد. زنان همچنین رقم بالائی از مجموع مهاجران جهان را تشکیل می دهند که برای تامین امرار معاش به فراسوی مرزها مهاجرت می کنند. از مجموع ۱۱۸ میلیون مهاجر، ۵۶ میلیون زن هستند. بهداشت زنان در بسیاری از کشورهای آفریقا و آسیا اسف بار است. بیماریهایی که از مدتها پیش در اروپا و آمریکا ریشه کن شده‌اند همچنان زنان را به کام خود می کشند. در آفریقا از هر ۱۶ زن، یک زن در دوران بارداری به علت فقدان امکانات بهداشتی می میرد. در آسیا از هر ۵۶ زن و در اروپا از هر ۱۴۰۰ زن، یک نفر تحت شرایط مشابهی می میرد. ابتدائی ترین حقوق فردی زنان در بسیاری از نقاط جهان نقض می گردد. ازدواج های اجباری همچنان رایج است. میانگین سن ازدواج زنان در ۲۲۰ کشور جهان بین ۱۵ تا ۱۷ سال است. همچنین نیمی از زنان آفریقا، در سنین کودکی نقص عضو (اصطلاحاً ختنه زنان) شده اند. این موارد نه تنها کاهش نیافته اند، بلکه بنا به

ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

- رژیم جمهوری، اسلامی زنان را در معرض بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین شکل ستم، تبعیض و فشار قرار داده است.
- رژیم جمهوری اسلامی، با وضع قوانین و مقررات ارتجاعی و با ایجاد محدودیت ها و تضيیقات مختلف، زنان را از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک، مدنی و انسانی خود محروم نموده و به یک شهروند درجه دو تبدیل کرده است.
- سازمان فدائیان (اقلیت) میگوید:
- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید فوراً ملغا گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گردند.
 - تمام قوانین و مقررات مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، مقررات مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در موسسات و مراکز عمومی، و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت ملغا گردند.
 - باید هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدید در مورد نقض آنها اعمال شود.
 - زنان باید از حقوق و مزایای برابر و کامل با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.
 - زنان از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاهها و مهد کودکیها در محل کار و زندگی برخوردار باشند.
 - به زنان باردار یکماه قبل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق و با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان، مرخصی داده شود.
 - کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آوارست ممنوع شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

پاسخ به سئوالات

سؤال شده است که با توجه به نظر سازمان در مورد مرحله انقلاب و وظائف فوری طبقه کارگر، آیا کسی که به انقلاب سوسیالیستی و الغی مالکیت خصوصی به عنوان وظیفه فوری طبقه کارگر معتقد است می تواند به عضویت سازمان مادر آید؟

ج _ مقدمتا اشاره کنیم که سازمان ما یک سازمان کمونیست است که اساسا برای انقلاب سوسیالیستی، الغی مالکیت خصوصی و برقراری یک جامعه کمونیستی مبارزه می کند. از این جهت هیچ تفاوتی میان ما و دیگر افراد و جریانات سیاسی که به خاطر این اهداف مبارزه میکنند وجود ندارد. اختلاف در آنجائی بروز میکند که برخی معتقدند در همین لحظه شرایط برای برقراری حاکمیت یکپارچه طبقه کارگر، انقلاب سوسیالیستی و الغی مالکیت خصوصی وجود دارد. در حالی که از دیدگاه سازمان ما شرایط عینی و ذهنی نه برای سلطه یک پارچه طبقه کارگر و برقراری فوری دیکتاتوری پرولتاریا فراهم است، و نه انقلاب سوسیالیستی بعنوان وظیفه ای فوری و مبرم در دستور کار قرار دارد. وضعیت کنونی جامعه از نظر عینی، مطالباتی که اولویت پیدا کرده و درست به همین علت صف بندی هائی که شکل گرفته اند، صحت نظر سازمان ما را که از مدت ها پیش مطرح شده است، به اثبات رسانده اند. از سوی دیگر، انقلاب سوسیالیستی نیازیمند سطح بالنسبه بالائی از تشکل و آگاهی طبقه کارگر است و با توجه به سطح کنونی تشکل و آگاهی طبقه کارگر در ایران نمی توان پذیرفت که طبقه کارگر در همین لحظه می تواند قدرت را به تنهایی قبضه کند. یعنی دیکتاتوری یکپارچه طبقه کارگر برقرار گردد. از این روست سازمان ما با در نظر گرفتن

مجموعه شرایط عینی و ذهنی بر این اعتقاد است که انقلاب ایران با وظایفی فوری روبروست که از یک سو از محدوده های نظم سرمایه داری موجود فراتر میروند و گامهایی به سوی سوسیالیسم اند، و از سوی دیگر هنوز وظائف سوسیالیستی نیستند. انقلاب ایران از یکسو می باید مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و دیگر مطالبات معوقه عمومی را عملی سازد که در واقع مطالباتی بورژوا - دمکراتیک اند. از سوی دیگر کارگران و توده زحمتکش مردم ایران خواهان ایجاد شوراها و اعمال حاکمیت از طریق شوراها هستند. این مطالبه از محدوده های نظم سرمایه داری فراتر می رود. بر همین منوال است مسئله کنترل کارگری که در انقلاب گذشته نیز کارگران در محدوده ای برای برقراری آن تلاش نمودند. کنترل کارگری هم امری نیست که در محدوده نظام سرمایه داری بگنجد، اما هنوز یک اقدام سوسیالیستی هم نیست. از اینرو در کنار مطالبات بورژوا - دمکراتیک، مطالبات انقلابی - دمکراتیک یا یک رشته مطالبات و اقدامات انتقالی نیز وجود خواهد داشت. بنابر این انقلاب ایران در گام نخست نه یک انقلاب بورژوا - دمکراتیک است و نه یک انقلاب سوسیالیستی. این در واقع یک انقلاب کارگران و زحمتکشان، یک مرحله انتقال به انقلاب سوسیالیستی و سلطه یک پارچه طبقه کارگر است. این مرحله از انقلاب و وظائف فوری که در برابر طبقه کارگر و انقلاب ایران قرار گرفته، بیان مشخص خود را در برنامه سازمان مایافته است. این برنامه هم متمایز از برنامه احزاب و سازمان هائی است که وظائف و نیروی محرکه انقلاب ایران را در چارچوب یک انقلاب بورژوا دمکراتیک محدود میکنند و هم متمایز از برنامه سازمان

صفحه ۱۳

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
I. S. V. W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

هلند
P. B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiyan-minority.org

KAR

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 339 juli 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی